

## حضرت عیسیٰ علیه السلام کیست؟

بررسی وجوه مختلف شخصیت حضرت عیسیٰ علیه  
السلام به تفکیک در مسیحیت و اسلام

گروه تحقیق و مطالعه پدر مهربان؛ پژوهشکده مسیحیت

در این کتاب به بررسی وجوه مختلف شخصیت حضرت عیسی علیه السّلام به تفکیک در مسیحیت و اسلام می پردازیم.

در فصل اول این کتاب حدیثی زیبا میخوانیم از امام رضا علیه السّلام که اشاره دارد به وجود تفاوت مهم میان عیسی مورد قبول مسیحیت تحریف شده و حضرت عیسی ای که اسلام معرفی می کند. فصل دوم حاوی یکی از شماره های مجموعه جزوات استاد دکتر فریدونی با عنوان بررسی های تحلیلی و منصفانه پیرامون مسیحیت است. در این نوشتار به تناقضات عهدجدید در خصوص مقام حضرت عیسی علیه السّلام پرداخته شده است.

در فصل سوم به عنوان نمونه اشاره ای می شود به یکی از الگوهای شخصیتی اسطوره ای و شرک آلودی که مسیحیت تحریف شده برای معرفی حضرت عیسی علیه السّلام از آن ها استفاده نموده است. فصل چهارم اشاره ای کوچک دارد به اهانت هایی که عهد جدید به شخصیت بزرگ این پیامبر الهی کرده است. فصل پنجم شماره ای دیگر از مجموعه جزوات استاد دکتر فریدونی ست پیرامون شخصیت و مقام حضرت عیسی علیه السّلام و حضرت مریم سلام الله علیها به بیان قرآن کریم. و فصل ششم و در انتها: بشارات انجیل حقیقی عیسی علیه السلام به محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین

# فهرست مطالب

فصل اول: عیسی حقیقی

فصل دوم: سمت و منصب حضرت عیسی مسیح چیست؟

فصل سوم: شباهت های عیسی مسیحیان با دیونیسوس خدای یونانی شراب

فصل چهارم: حضرت عیسی علیه السلام و شراب

فصل پنجم: حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» و مریم عذراء از منظر قرآن کریم

فصل ششم: بشارات انجیل حقیقی عیسی علیه السلام به محمد و آل محمد صلی الله

علیهم اجمعین

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فصل اول

## عیسی حقیقی

احمد بن زیاد همدانی - رضی اللہ عنہ - به سند مذکور در متن از صفوان ابن یحیی روایت کرد که گفت: ابو قزّه دوست جاثلیق از من خواست که او را به مجلس حضرت رضا علیه السلام ببرم. من در این باره اذن طلبیدم و حضرت علیه السلام فرمودند: او را بیاور. چون بر آن بزرگوار وارد شد، فرش زیر پای آن حضرت را بوسید و گفت: رسم دین ما این است که با اشراف اهل زمان خود چنین رفتار کنیم، خدای شما را بسلامت دارد.

اکنون بفرمایید نظرتان را درباره فرقه ای که ادعائی دارد و فرقه دیگری از غیر ایشان که خود به عدالت معرفی شده اند آنان را در ادعایشان تصدیق میکنند. حضرت علیه السلام فرمودند: آنان حق ادعا دارند. مرد گفت: فرقه دوم ادعائی دارند، و شاهی پیدا نمی کنند که آنان را تصدیق کند مگر از خودشان، اینان چه؟ حضرت علیه السلام فرمودند: حق ادعا بر آنها نیست.

مرد گفت: (اینک ما و شما)؛ ما ادعا میکنیم که عیسی روح الله و کلمه اوست که به مریم القاء نمود، مسلمانان با ما در این ادعا موافقت و ما را تصدیق می کنند، ولی مسلمانان مدعی آنند که محمد پیامبر و فرستاده خدا است و ما در آن ادعا تبعیتشان نمی کنیم. آنچه که ما در آن اجماع داریم بهتر است از آنچه که در آن اختلاف داریم.

حضرت علیه السلام پرسیدند: اسم تو چیست؟ گفت: یوحنا.

حضرت علیه السلام فرمودند: **ای یوحنا ما به آن عیسی بن مریم و روح الله و کلمه اش ایمان داریم که به محمد صلی الله علیه و آله ایمان داشته و مزده آمدن او را داده است و خود اقرار کرده باشد که بنده است و پروردگاری دارد، پس اگر آن عیسی که تو به او اقرار داری این چنین نیست که به محمد ایمان آورده باشد و اقرار به عبودیت کرده و خدا را پروردگار خود بداند، ما از چنین عیسائی بیزاریم! پس کجا بر آن اجماع داریم؟<sup>۱</sup>**

ابو قزّه برخاست و به صفوان بن یحیی گفت: برخیز! این مجلس ما را بی نیاز نکرد و ما به سود و نفع خود از آن بهره نبردیم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> حضرت رضا علیه السلام در اینجا نکته ای بسیار دقیق و عمیق را بیان فرمودند که این واژه ها نیستند که حجتند؛ بسیاری نام الله یا واژه عیسی و ... را بر زبان می رانند و ادعای اعتقاد به ایشان را دارند لیکن در واقع بت هایی در ذهن خود خلق کرده اند و به آنان اعتقاد دارند پس این تشابه اسمی دلیل بر تشابه اعتقادی نمی باشد. آنچه که مقبول خداوند یکتا می باشد اعتقاد به الله واقعی، عیسی حقیقی، محمد واقعی و ... علیهم السلام می باشد. عیسی ای که مسیحیان پولسی به آن معتقدند معجون و مخلوق ذهن انسان ست و غیر قابل فهم، برای اطلاع بیشتر در این زمینه به قسمت نهم و یازدهم و دوازدهم بررسی های تحلیلی و منصفانه پیرامون مسیحیت رجوع فرمائید. در صورتیکه حضرت عیسی حقیقی علیه السلام را قرآن کریم به زیبایی معرفی می فرماید برای اطلاع بیشتر به قسمت دهم بررسی های تحلیلی و منصفانه پیرامون مسیحیت مراجعه فرمائید

<sup>۲</sup> عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۳۰

# فصل دوم

## سمت و منصب حضرت عیسیٰ مسیح چیست؟

از نکات و مسائل بسیار پیچیده و حل نشدنی کتاب عهد جدید مقام واقعی حضرت عیسی مسیح است که هر خواننده دقیق این کتاب را متحیر و شگفت زده می نماید به نحوی که در نهایت کار قطعاً در تشخیص مرتبت راستین آن بزرگوار ناتوان خواهد ماند.

در کتاب عهد جدید انواع و اقسام سمت ها برای حضرت روح الله بیان گردیده به گونه ای که در میان سمت های ذکر شده انتخاب و گزینش یکی از آن ها در میان دیگران غیر ممکن به نظر می رسد . همراه با خواننده گرامی به بررسی مقامات حضرتش می پردازیم.

### ۱. حضرت عیسی مسیح علیه السلام پسر خداست.

از قول حضرت یحیی نقل می شود: " و من دیده شهادت می دهم که این است پسر خدا"<sup>۳</sup>  
" نتنائیل در جواب او ( مراد حضرت عیسی مسیح است ) گفت ای استاد تو پسر خدائی"<sup>۴</sup>  
پس به صریح اقرار و اعتراف دو تن یعنی حضرت یحیی و شخص نتنائیل که وی را پسر خدا نامیدند آن بزرگوار پسر خداست و مؤید مطلب آنکه حضرتش نیز هنگامی که کلام مذکور را می شنود که او را پسر خدا نامیده اند هیچ عکس العمل مخالفی نشان نمی دهد.

### ۲. عیسی مسیح علیه السلام پسر خدا و برابر خداست و آفریننده عالم.

" خدا که در زمان سلف به اقسام تعدد و طریق های مختلف به وساطت انبیاء به پدران ما تکلم نمود در این ایام آخر به ما به وساطت پسر خود تکلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار داد و بوسیله او عالم ها را آفرید"<sup>۵</sup>  
پس حضرت عیسی مسیح هم پسر خداست و هم یاور و همکار خدا که وارث جمیع موجودات بوده و چون خدا نمی توانسته به تنهایی عالم ها را خلق کند کار خلقت را به همراهی و کمک عیسی مسیح "علیه السلام" انجام داده است !! واقعاً که چه خدای توانائی !!

<sup>۳</sup> . انجیل یوحنا باب اول شماره ۳۴

<sup>۴</sup> . انجیل یوحنا باب اول شماره ۴۹

<sup>۵</sup> . رساله پولس به عبرانیان باب اول شماره های ۱-۳



### ۳. حضرت روح الله عليه السلام خود، خدا و همانند خداست.

"پس همین فکر در شما باشد که در مسیح نیز بود - که چون در صورت خدا بود با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد لیکن خود را خالی کرده صورت غلام را پذیرفت در شباهت مردمان شد"<sup>۶</sup>

علاوه بر آنکه فهمیدن اصل ادعای حضرت عیسی مسیح بر اساس مطالبی که در عهد جدید آمده غیر ممکن است دانستن و درک کردن مراد و منظور پولس از سه جمله فوق نیز غیر ممکن است زیرا:

الف) "مسیح در صورت خدا بود" یعنی چه؟ یعنی وی مرکب در صورت و سیرت بوده، صورتش خدا بوده سیرتش چه چیز بوده است؟ آیا سیرتش سیرت بشری بوده؛ واقعاً این جمله چه معنی بدهد؟

ب) "با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد" هنوز معلوم نشده که با خدا برابر بودن یعنی چه؟ یعنی دو خدایی یک خدا، خدای قادر متعال و خدای دیگر عیسی مسیح؟ پس باید فرد مسیحی دوگانه پرست باشد. آیا درست است؟ آن گاه سؤال بعدی مطرح می شود: حضرت روح الله چگونه با خدا برابر بوده؟ یعنی تمام صفات و خصوصیات او شبیه خدای واقعی بوده؟ اگر چنین است پس وجه تمایز او از خدای یکتا چیست؟ و اینکه باعث گردیده دو خدای برابر را اعتقاد باید داشت کدام مطلب است؟ چه امتیازی خدا دارد که مسیح ندارد و بالعکس که بر اساس امتیاز و یا امتیازات هر یک از آن دو، دو خدا بودن و دو شخصیت مستقل بودن تحقق می یابد؟

جالب است که گوید "با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد" یعنی چه؟ یعنی راه خضوع و خشوع و شکسته نفسی را پیموده و از موقعیت ممتازی که داشته چشم پوشی نموده؟

ج) "خود را خالی کرده" از چه چیز خود را خالی کرده، از خدا بودن؟ این جمله اساساً دارای چه معنایی است؟ آن وقت چگونه خود را خالی کرده؟ شاید پولس تصور کرده که حضرت عیسی مسیح علیه السلام همانند بشکه های پر از مایع بوده بعد شیر این بشکه را باز کرده و آن مایع را بیرون ریخته و به شکل بشکه خالی در آمده است!! واقعا که باید به چنین معارفی آفرین گفت که حتماً خود گوینده هم نمی داند چه گفته است!!

د) "صورت غلام را پذیرفت" چه شکلی داشته که به صورت غلام در آمده است؟ این تغییر شکل چگونه صورت پذیرفته است؟ آیا دگرذیسی انجام گردیده؟ استحاله الی صورت پذیرفته؟ چه کسی به او پیشنهاد داده که این صورت یعنی صورت غلام را بپذیرد و چرا این پیشنهاد مطرح گردیده؟

ه) "و در شباهت مردمان شد" نحوه این شبیه شدن به هیچ وجه روشن نگردیده که حضرت روح الله با چه مکانیسمی از صورت برابر با خدا بودن به شکل غلام و مردمان در آمده، آیا ذکری خوانده است. آیا سحر و جادویی در کار بوده است و بالاخره این تبدیل به چه صورت انجام گرفته است؟

<sup>۶</sup>. رساله پولس به فیلیپیان باب ۲ شماره های ۵ و ۶ و ۷

به راستی پدران کلیسا از خواندن این عبارات گرفتار گیجی و سردرگمی نمی شوند؟ که قطعاً می شوند آن گاه توقع دارند که مردمان عادی معنای این عبارات سراسر مبهم پیچیده را دریابند؟

#### ۴. پدر در اوست و او در پدر است.

در اینجا نیز به ذکر یک مدرک اکتفا می کنیم:

" آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در منست ، سخن هائی که من به شما می گویم از خود نمی گویم لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می کند - مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است"<sup>۷</sup>

از صحت و سقم مطلب آورده شده بگذریم، خواننده محترم توجه فرماید که اساساً عبارات آورده شده تا چه حد و میزان مبهم و رمزآلود بیان شده به این سؤالات عنایت فرمائید.

الف) "من در پدر هستم و پدر در منست" چه معنا دارد یعنی حضرت عیسی مسیح در شکم پدر است و پدر هم در شکم او!! اگر پاسخ مثبت است بودن پدر و پسر در یکدیگر چگونه تحقق یافته؟ و یا اینکه مراد حضرت در بیان مطلب فوق آن است که من و خدا یک هستیم و هر چه او گوید در واقع من گفته ام و بالعکس اگر منظور این گزینه هاست دو گانگی چه معنا می یابد یعنی یک پدر و یک پسر.

ب) "لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می کند" در این جمله که به عنوان بیان حضرت عیسی ذکر شده این بزرگوار از "در پدر بودن" منصرف شده و "پدر را در خود" می داند که قطعاً سؤالات به قوت و قدرت خود باقی ند که بودن خدای پدر در عیسی مسیح چگونه است؟ و این پدر در کجای عیسی مسیح قرار دارد در چه شکل و شمایل است!؟

ج) "مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است" مجدداً تغییر عقیده داده هم پدر را در خود و هم خود را در پدر جا زده اند!!!

راستی به این کلمات می توان کلمات آسمانی گفت؟

<sup>۷</sup> انجیل یوحنا باب چهارم شماره ۱۰-۱۲

## ۵. عیسی مسیح علیه السلام خداوند خداست.

در تجلی حضرت روح الله بر شاگردانش پس از مصلوب شدن و مجدداً زنده گردیدن:  
"و بعد از هشت روز باز شاگردان با توما در خانه‌ای جمع بودند و درها بسته بود که ناگاه عیسی آمد و در میان ایستاده، گفت: سلام بر شما باد. پس به توما گفت: انگشت خود را به اینجا بیاور و دست های مرا ببین و دست خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی ایمان مباش بلکه ایمان دار. توما در جواب وی گفت: ای خداوند من و ای خدای من" <sup>۸</sup>

پس توما حضرت را مخاطب قرار داده و اینگونه خطاب می کند " ای خداوند من و ای خدای من " و حضرت هم هیچگونه اعتراض نکرده و مقام خداوندی و خدائی را می پذیرد!!

## ۶. پسر خداست ولی پدر (خدا) از او بزرگتر است.

در ارتباط با نصب شماره ۶ به مطلب ذیل توجه فرمایید:  
"شنیده اید که من به شما گفتم نمی روم و نزد شما می آیم اگر مرا محبت می نمودید خوشحال می گشتید که گفتم نزد پدر می روم زیرا که همچنین پدر از من بزرگتر است" <sup>۹</sup>  
نتیجه آنکه:

الف) دو شخصیت در عبارت ذکر شده: اول پدر دوم عیسی مسیح  
ب) پدر در چه جهت از عیسی بزرگتر است؟ از نظر جثه و اندام . از نظر مقام و موقعیت و ... به هر حال چه امتیاز و یا امتیازاتی در پدر هست که در عیسی مسیح وجود ندارد؟ پاسخ به عهده پدران روحانی و بزرگان کلیسا است.  
نتیجه قطعی آنکه عیسی مسیح نمی تواند خدای یکتای جهان آفرین باشد حال این پسر بودن چه معنا داشته و چگونه محقق گردیده معلوم نیست.

<sup>۸</sup> . انجیل یوحنا باب ۲۰ شماره های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹

<sup>۹</sup> . انجیل یوحنا باب ۱۴ شماره ۲۹

## ۷. عیسی مسیح علیه السلام خالق همه موجودات است.

مقام دیگری برای حضرت روح الله بیان شده که ذیلاً بخوانیم:

" و او صورت خدای نادیده است نخست زاده تمامی آفریدگان زیرا که در او همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاست و قوات ؛ همه به وسیله او و برا او آفریده شد"<sup>۱۰</sup>

گو آنکه در جملات سه گانه فوق تناقضی بین و آشکار وجود دارد زیرا در جمله ای آمده که "در او همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است" و در جمله دیگر چنین آمده "آن چه در آسمان و آن چه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاست و قوات، همه به وسیله او و برای او آفریده شد." پس "او در همه چیز آفریده شد" یعنی آن بزرگوار خالق کل موجودات است "همه چیز برای او آفریده شد" یعنی خدای هستی آفرین به خاطر گل روی حضرتش همه چیز را خلق کرده است خواهشمندیم بزرگان کلیسا این سه جمله را با هم جمع کنند!

## ۸. خداوند و نجات دهنده است.

" اگر قبلاً مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود نپذیرفته اید الان او بر در قلب شما ایستاده و میکوبد. آیا حاضرید در همین لحظه اراده خود را به او بسپارید؟ از او صمیمانه دعوت کنید که بیاید و در شما زندگی کند. گناهان شما را بیامرزد و به زندگی شما هدف، قدرت و آرامش بخشد."<sup>۱۱</sup>

در شماره های آینده این مجموعه به خواست خدای بزرگ درباره کلمه "هدف" که در متن بالا آمده سخن خواهیم گفت و کاملاً بررسی خواهیم کرد که هدفی که مسیحیت به انسان ها می دهد چیست؟

" در نخستین صفحه روی جلد اناجیل این عبارات به چشم می خورد، کتاب عهد جدید یعنی انجیل مقدس خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح"

گفتار صریحی که جایی برای توجیه و تأویل ندارد "عیسی مسیح خداوند و نجات دهنده است"

<sup>۱۰</sup> رساله پولس به کولسیان باب اول شماره ۱۷-۱۵

<sup>۱۱</sup> ده قدم اساسی به سوی رشد مسیحی، جزوه عیسی بی نظیر ص ۲۴

## ۹. و فرستاده شده از سوی خدای واحد است.

"آن گاه عیسی گفت اندک زمانی دیگر با شما هستم بعد نزد فرستنده خود میروم."<sup>۱۲</sup>  
"اگر من حکم دهم حکم من راست است از آنرو که تنها نیستم بلکه من و پدری که مرا فرستاد."<sup>۱۳</sup>  
"من بر خود شهادت می دهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای من شهادت می دهد."<sup>۱۴</sup>  
"و حیات جاودانی این است که ترا خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسد."<sup>۱۵</sup>  
در اینجا حضرت عیسی مسیح از مقام خداوندی و خدائی و خالق همه چیز بودن تنزل رتبه پیدا کرده و تبدیل به فرستاده می شود که خدای یکتا او را برگزیده بلکه برتر و مهمتر آن که هر که اعتقاد داشته باشد که خدای واحد حقیقی خدای یکتای جهان آفرین است و عیسی مسیح فرستاده اوست به حیات جاودانی راه یافته است و غیر از این اعتقاد هر چه باشد باعث بدست آوردن حیات جاودانی نیست.  
به نظر می رسد که از بین ادعاهای متعدده ای که عهد جدید برای حضرت عیسی مسیح علیه السلام بیان می کند مقام اخیر یعنی رسالت و فرستاده شدگی از سوی خدای جهان آفرین و یگانه، عقل پذیرترین آن ها باشد.

## ۱۰. عیسی مسیح علیه السلام بنده خداست.

پطرس کاری خارق عادت انجام می دهد یعنی بیماری را شفا عنایت می کند ، مردمانی که منظره شفای شخص لنگ را دیدند متعجب شدند اما پطرس با مشاهده شگفتی آنان چنین اظهار می دارد.  
"خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد ..."<sup>۱۶</sup>  
پس به اعتقاد پطرس، شخصیت بسیار معتبر مسیحیت ( که به تعبیری جانشین بلافصل حضرت عیسی مسیح نیز بوده)، حضرت روح الله بنده خداست. نهایت بنده ای که از سوی خدا یعنی خدای پیامبرانی چون ابراهیم و اسحق و یعقوب جلال یافته است.  
ملاحظه می شود که در قسمت اخیر خدای خالق همه چیز ، تنزل فراوان پیدا کرده و تبدیل به بنده می شود.

<sup>۱۲</sup> . انجیل یوحنا باب ۷ شماره ۳۴

<sup>۱۳</sup> . انجیل یوحنا باب ۸ شماره ۱۶

<sup>۱۴</sup> . انجیل یوحنا باب ۸ شماره ۱۸

<sup>۱۵</sup> . انجیل یوحنا باب ۱۷ شماره ۳

<sup>۱۶</sup> . اعمال رسولان باب ۳ شماره ۱۳

## ۱۱. عیسی مسیح علیه السلام پیشواست.

" و هیچ کس را بر زمین پدر خود مخوانید زیرا پدر شما یکیست که در آسمانست - و پیشوا خوانده مشوید زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح."<sup>۱۷</sup>

بنظر می رسد که با بکار بردن لغت "پیشوا" باید برداشت کرد که حضرت عیسی مسیح علیه السلام همانند هیتلر که حزب نازی را در آلمان تأسیس کرد، بنیانگذار حزبی است بنام مسیحیت!! یعنی با این تعبیر اساساً مسیحیت از شکل و هیأت یک دین خارج شده و شکل حزب سیاسی به خود می گیرد، حزبی که پیشوا و رهبر آن حضرت عیسی مسیح علیه السلام است.

## ۱۲. از وقت قیامت کسی جز پدر خبر ندارد.

" آسمان و زمین زایل خواهد شد لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد - اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس."<sup>۱۸</sup>

از جمله جاهائی که کاملاً دوئیت بین خدا و عیسی مسیح واضح و هویداست، فرازی است که در بالا در کتاب عهد جدید بیان کردیم و از این فراز تفاوت بین خدا و عیسی مسیح و به بیان دیگر افضلیت پدر بر پسر روشن است و آن دانستن زمان وقوع قیامت است که پدر می داند و پسر یعنی عیسی مسیح نمی داند.

## ۱۳. آیا تنها عیسی علیه السلام پسر خداست و یا دیگران هم هستند؟

"خوشا به حال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد."<sup>۱۹</sup>

پس از آن که نکاح کردن را تقبیح کرده و از نکاح نکردن تعریف و تمجید می نماید درباره کسانی که تن به ازدواج نمی دهند چنین می گوید:

<sup>۱۷</sup>. انجیل متی باب ۲۳ شماره ۹، ۱۰

<sup>۱۸</sup>. انجیل متی باب ۲۴ شماره ۳۵ و ۳۶

<sup>۱۹</sup>. انجیل متی باب ۵ شماره ۹

"زیرا ممکن نیست که دیگر بمیرند از آن جهت که مثل فرشتگان و پسران خدا می باشند چون که پسران قیامت هستند." ۲۰

پس اینجا پسر خدا بودن تنها اختصاص به حضرت عیسی مسیح علیه السلام ندارد بلکه خدا پسر زیاد دارد از اینرو بسیار بی دلیل خواهد بود که عهد جدید عیسی مسیح را پسر یگانه خدا خطاب می کند. خوانندگان گرامی و ارجمند! سیزده مقام و منصب را برای حضرت عیسی مسیح علیه السلام از عهد جدید نقل کردیم که بار دیگر فهرست وار آن ها را ذکر می نمائیم با توجه به آن که این سیزده منصب هرگز با یکدیگر قابل جمع نیستند:

- عیسی پسر خداست.
  - حضرتش پسر خدا و برابر خداست و آفریننده عالم.
  - حضرتش خود خدا و همانند خداست.
  - حضرتش در پدر است و پدر در اوست.
  - حضرتش خداوند خداست.
  - حضرتش پسر خداست ولی پدر از او بزرگتر است.
  - حضرتش خالق همه موجودات است.
  - حضرتش خداوند و نجات دهنده است.
  - حضرتش فرستاده خداست.
  - حضرتش بنده خداست.
  - حضرتش پیشوا است.
  - حضرتش قیامت را نمی داند.
- به راستی فردی که این کتاب را با دقت می خواند اعم از اینکه مسیحی باشد و یا نباشد درباره حضرت مسیح علیه السلام باید چه مقامی را اعتقاد داشته باشد؟ بنده، فرستاده، پسر خدا، خود خدا، خالق هستی، و ... اما به نظر می رسد که یوحنا تکلیف همه را با بیان خویش روشن کرده باشد:
- " در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود ... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد. پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر." ۲۱
- پس خلاصه آن که حضرت عیسی مسیح خود خداست که لباس بشر پوشیده و به میان انسان ها آمده است. ولی

۲۰. انجیل لوقا باب ۲۰ شماره ۳۶

۲۱. انجیل یوحنا باب ۱ شماره های ۱ و ۱۴

تعجب آور آن است که خدا، ناگهان تغییر ماهیت داده و تبدیل به پسر یگانه پدر می گردد، در حالی که او خود پدر است اما این پدر پسر می گردد. پسر کدام پدر؟ معلوم نیست، یعنی پسر خودش!! و شگفتی زمانی زیادتر می شود که سخن متی را بشنویم:

"و نزدیک به ساعت نهم عیسی به آواز بلند صدا زده گفت ایلی ایلی لما سبقتنی یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی."<sup>۲۲</sup>

قطعا اولین مطلبی که به ذهن می رسد آن که حضرت عیسی مسیح به هنگامی که بر روی دار بود چه کسی را صدا می کرد؟ و مراد از الهی الهی که حضرتش بر زبان جاری کرد که بود؟

---

<sup>۲۲</sup>. انجیل متی باب ۲۷ شماره ۴۶



# فصل سوم

## شبهات های عیسی مسیحیان با دیونیسوس خدای یونانی شراب...

مسیحیان و مسلمانان هر دو گروه به حضرت عیسی علیه السلام ایمان دارند اما عیسی ای که کلیسا معرفی می کند با تعریفی که دین مبین اسلام از حضرت عیسی علیه السلام ارائه کرده است کاملاً متفاوت می باشد. در اثر غضب منصب وصایت شمعون صفا پس از حضرت عیسی علیه السلام و غلبه غاصب این منصب، امت حضرت عیسی علیه السلام تعالیم ناب آن حضرت را کنار گذاشته و در نتیجه خرافات و اساطیر و ... مشرکین آن دوران من جمله یونانیان وارد عقاید پیروان آن حضرت گردید.

ما در این مقاله می کوشیم تا تعریف ارائه شده از سوی کلیسا ی تحریف شده درباره شخصیت حضرت عیسی علیه السلام را به بوته نقد بگذاریم و با کمال تأسف شباهت های آن را با دیونیسوس خدای یونانی شراب نشان داده و وجود چنین شباهت هایی را ریشه یابی کنیم.

از سوی دیگر برآنیم تا تعریف اسلام از حضرت عیسی علیه السلام - این پیامبر بزرگ الهی - را بیان کرده و بدین ترتیب تیرگی های تحریفات را از چهره تابناک آن حضرت زدوده و در نتیجه هم وجود مقدس آن پیامبر الهی را از غلوگویی ها دور سازیم و هم از مقام شامخ ایشان در مقابل جهالت ها و جسارت ها دفاع کنیم. امروزه دنیای مسیحیت حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان خدا و پسر خدا می شناسد در حالیکه قرآن کریم درباره خلقت حضرت عیسی علیه السلام که مسیحیان را به خطا انداخته است می فرماید:

**"إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ"**

بدرستی مَثَلِ عِيسَى (علیه السلام) در نزد خدا، همچون مَثَلِ آدَم (علیه السلام) است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «باش!» او هم موجود شد.<sup>۲۳</sup>

زمانی که **گروهی از مسیحیان** - که بر اساس متون خویش در انتظار ظهور پیامبر موعود، خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم بودند- به ملاقات حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم رفتند و در مورد حضرت عیسی علیه السلام به عنوان پسر خدا صحبت کردند، آیه فوق الذکر بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردید. هر آنچه که خداوند قادر مطلق اراده کند تا خلق کند، آن چیز بی درنگ خواهد بود. درست است که همه چیز در دنیا به امر خداوند با نظم و ترتیب می باشد لیکن نظم و ترتیب موجود نباید این توهم را در ما ایجاد کند که چیزی از حیطة قدرت و سلطه ی خداوند یکتا خارج می باشد؛ خداوند حضرت آدم علیه السلام را بدون پدر و مادر خلق کرد و حضرت عیسی علیه السلام را از مادری باکره... پس این معجزه در به دنیا آمدن حضرت عیسی علیه السلام و سایر معجزاتی که چون سایر انبیاء به اذن الهی از آن حضرت صادر می گردید نباید باعث قائل شدن مقام الوهیت برای آن حضرت شود. از دوستانمان دعوت می کنیم مقاله "**سبحان الله**" را مطالعه بفرمایند.

<sup>۲۳</sup>. قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳) آیه ۵۹

یکی از اولین کسانی که مفاهیم تحریفی خدای پدر و خدای پسر را بعد حضرت عیسی علیه السلام در تعالیم آن حضرت وارد نمود پولس غاصب بود. وی که خود از یهودیان بود و در کابالای یهودی تبحر داشت این مفاهیم تحریفی را به تقلید از پیشینیان کافر و مشرک و گمراه پروراند و با غصب مقام وصایت شمعون صفا بنای تعالیم حضرت عیسی علیه السلام را بر این تحریفات قرار داد.

این مفاهیم تحریفی در فرهنگ های باستانی مصر، ایران، روم، یونان و ... ریشه دارد که خدایان ساختگی متعددی را می پرستیدند.

قرآن کریم درباره پیروی از سنت ها و آیین پیشینیان گمراه اینگونه می فرماید:

"قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ"

بگو: ای اهل کتاب! در دین خود، به ناحق غلو نکنید! و از هوسهای مردمی که پیشتر گمراه شده بودند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید.<sup>۲۴</sup>

فرهنگ های غالب زمان حضرت عیسی علیه السلام و بعد از آن حضرت همان فرهنگ های رومی، ایرانی، یونانی و ... بود. الاهیات یهودی و مسیحی آنچنان تحت تأثیر این فرهنگ ها قرار گرفته بودند که کلام حضرت عیسی علیه السلام کنار گذاشته شد و کتاب های متعددی موسوم به اناجیل سال ها پس از حضرت عیسی علیه السلام به زبان یونانی نگاشته شدند.

### دیونیسوس و مسیحیت

در این نوشتار به عنوان نمونه نگاهی داریم به تأثیر خدایی خیالی از فرهنگ یونان باستان به نام دیونیسوس<sup>۲۵</sup> در مسیحیت. آنچنان تعالیم حضرت عیسی تحت تأثیر اساطیر قدیمی از مسیر منحرف گردید که دانشمندان مسیحی شناس شدیداً به این نکته متذکر شده اند. به عنوان نمونه در کتاب "معماهای عیسی"<sup>۲۶</sup> نوشته تیموتی فریک و پیتر گندی<sup>۲۷</sup> آمده است: "ما متقاعد شده ایم که داستان عیسی بیوگرافی یک منجی تاریخی نیست،

<sup>۲۴</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵) آیه ۷۷

<sup>۲۵</sup>. Dionysus

<sup>۲۶</sup>. The Jesus mysteries

<sup>۲۷</sup>. peter Gandy & Timothy Freke

بلکه اسطوره ای است بر مبنای داستانهای کفرآلود همیشگی (تکراری). مسیحیت یک الهام وحیانی جدید و منحصر به فرد نبود بلکه در واقع انطباقی یهودی از مسلکهای اسرارآمیز باستانی بود.<sup>28</sup> در همین کتاب گفته شده است: "در قلب مسلک های اسرار آمیز کفار اسطوره هایی درباره انسان خداواری بود که می مُرد و زنده می شد که با نام های مختلفی خوانده می شد... در یونان دیونیسوس ... و در فارس میترا. اساساً تمامی این انسان های خداوار یک موجودیت واحد اسطوره ای بودند ... ما توانستیم به اصطلاح بیوگرافی عیسی را از اسطوره تکراری پیشینیان در موضوع دیونیسوس بازسازی کنیم:

- ۱- دیونیسوس خدایی بود که انسان شد، منجی و پسر خدا.
- ۲- پدر دیونیسوس یک خدا بود و مادرش یک زن زمینی باکره.
- ۳- دیونیسوس در یک غار یا یک اصطبل ساده در بیست و پنجم دسامبر در برابر سه چوپان به دنیا آمد.
- ۴- دیونیسوس به پیروانش امکان تولد مجدد از طریق غسل تعمید را می داد.
- ۵- دیونیسوس به صورت معجزه آسایی در یک جشن عروسی آب را به شراب تبدیل کرد.
- ۶- دیونیسوس به عنوان قربانی برای گناهان دنیا مرد.
- ۷- دیونیسوس بعد از مرگش سه روز در جهنم ظهور کرد سپس در روز سوم زنده شد و عروج کرد.
- ۸- مرگ و رستاخیز دیونیسوس به وسیله نان و شراب که سمبل جسم و خون او بودند جشن گرفته می شد...

از قرن ها پیش دانشمندان مسیحی این نکته را متذکر شده بودند که مسیحیت با اساطیر باستانی شباهت های فراوانی دارد، من جمله در قرن نوزدهم فردریچ هولدرلین<sup>28</sup> در کتب بسیار مشهورش به نام "نان و شراب"<sup>29</sup> و "یگانه"<sup>30</sup>. دانشمندان جدید نیز مانند مارتین هنگل<sup>31</sup>، بری پاول<sup>32</sup> و پیترو ویکند<sup>33</sup> و ... می گویند که مسلک دیونیسوسی و مسیحیت شباهت های قابل توجهی دارند... آنان به سمبل بودن شراب و اهمیتی که شراب هم در اسطوره دیونیسوس و هم عیسی دارد اشاره می کنند... علاوه بر این برخی دانشمندان می گویند

<sup>28</sup> Friedrich Holderlin

<sup>29</sup> Brod und Wein

<sup>30</sup> Der Einzige

<sup>31</sup> Martin Hengel

<sup>32</sup> Barry Powell

<sup>33</sup> Peter Wickand

که هم دیونیسوس و هم عیسی خدایانی بودند که مُردند ... موضوعات دیگری چون جشن گرفتن با نان و شراب نیز شباهت هایی دارند...<sup>۳۴</sup> (\*[برای مطالعه نمونه های بیشتر اینجا کلیک کنید.](#))  
شایان تذکر است که در فرهنگ های لغات انگلیسی من جمله وبستر<sup>۳۵</sup> دیونیسوس به عنوان خدای شراب معرفی شده است.

### حضرت عیسی علیه السلام و تحریم شراب

با تطابق ناجوانمردانه تعالیم حضرت عیسی علیه السلام با اسطوره دیونیسوس، شراب جایگاهی مقدس در مسیحیت یافت در حالیکه حضرت عیسی علیه السلام به فرمان خداوند و به سنت همه انبیاء پیشین علیهم السلام شراب را حرام می دانست.  
در تقدیس شراب برای نمونه اناجیل تحریف شده ی کنونی اولین معجزه حضرت عیسی علیه السلام را تبدیل آب به شراب ذکر کرده اند<sup>۳۶</sup>

مثال دیگری از تقدیس شراب در مراسم عشاء ربانی ست که تمام فرق مسیحیت آن را به جا می آورند؛ کاتولیک ها آنچنان اعتقاد دارند که نان و شراب حقیقتاً تبدیل می شود به جسم و خون حضرت عیسی علیه السلام - که به گمان آنان خدا می باشد - که شراب را تنها کشیش می نوشد تا مبادا خون آن حضرت که خدایش می پندارند بر روی زمین بریزد ...!!!

در اناجیل تحریف شده کنونی اشاره هایی به مسئله نان و شراب موجود است<sup>۳۷</sup> اما جالب توجه است که اناجیل یوحنا به هیچ وجه اشاره ای به عشاء ربانی ندارد!!!

همه این تحریفات متأسفانه در حالی رخ داد که حضرت عیسی علیه السلام درباره حفظ شریعت و قوانین حضرت موسی علیه السلام چنین فرمود:

"گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود."<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۴</sup>. ویکی پدیای انگلیسی

<sup>۳۵</sup>. Webster

<sup>۳۶</sup>. انجیل یوحنا، باب دوم، عبارات ۱ تا ۱۳

<sup>۳۷</sup>. انجیل متی باب ۲۶ شماره های ۲۸-۲۶؛ انجیل مرقس باب ۱۴ شماره های ۲۵-۲۲؛ انجیل لوقا باب ۲۲ شماره های ۱۹ و ۲۰

<sup>۳۸</sup>. متی باب ۵ عبارات ۱۷ و ۱۸

علیرغم همه تحریفات هنوز در تورات و ملحقات آن در عهد قدیم عبارات فراوانی در مذمت شرابخواری وجود دارد؛ در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

"شراب استهزاء می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست." <sup>۳۹</sup>

"وای از آن کیست و شقاوت از آن که ونزاع‌ها از آن کدام و زاری از آن کیست و جراحت‌های بی‌سبب از آن که و سرخی چشمان از آن کدام؟ آنانی را است که شرب مدام می‌نمایند، و برای چشیدن شراب ممزوج داخل می‌شوند. به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ‌فام است، چینی که حبابهای خود را در جام ظاهر می‌سازد، و به ملایمت فرو می‌رود. اما در آخر مثل مار خواهد گزید، و مانند‌افعی نیش خواهد زد. چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید، و دل تو به چیزهای کج تنطق خواهد نمود، و مثل کسی که در میان دریا می‌خواهد خاوی شود، یا مانند کسی که بر سر دکل کشتی می‌خسبد، و خواهی گفت: مرا زدند لیکن درد را احساس نکردم، مرا زجر نمودند لیکن نفهمیدم. پس کی بیدار خواهیم شد؟ همچنین معاودت می‌کنم و بار دیگر آن را می‌طلبم." <sup>۴۰</sup>

"وای بر آنانی که صبح زود بر می‌خیزند تا در پی مسکرات بروند، و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید. و در بزم‌های ایشان عود و بربط و دف و نای و شراب می‌باشد... وای بر آنانی که برای نوشیدن شراب زور آوردند و به جهت ممزوج ساختن مسکرات مردان قوی می‌باشند." <sup>۴۱</sup>

"به درستی که شراب فریبنده است..." <sup>۴۲</sup>

در کتاب داوران باب ۱۳ عبارات ۱ تا ۵ در باب ماجرای تولد یکی از فرستادگان خدا ( ناجی بنی اسرائیل ) اینطور می‌خوانیم:

"و بنی اسرائیل بار دیگر در نظر خداوند شرارت ورزیدند، و خداوند ایشان را به دست فلسطینیان چهل سال تسلیم کرد و شخصی از صُرعه از قبیله دان، مانوح نام بود، و زنش نازاد بوده، نمی‌زایید. و فرشته خداوند به آن زن ظاهر شده، او را گفت: اینک تو حال نازاد هستی و نزاییده‌ای لیکن حامله شده، پسری خواهی زایید و الآن باحذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش و هیچ چیز نجس مخور. زیرا یقیناً حامله شده، پسری خواهی زایید، و استره بر سرش نخواهد آمد، زیرا آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود؛ و او به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان شروع خواهد کرد..."

<sup>۳۹</sup>. کتاب امثال سلیمان نبی، باب ۲۰، ۱

<sup>۴۰</sup>. امثال سلیمان نبی، باب ۲۳، ۲۹ تا ۳۵

<sup>۴۱</sup>. کتاب اشعیا نبی، باب ۵، ۱۱ تا ۲۳

<sup>۴۲</sup>. حبقوق باب ۲، عبارت ۵

حتی در عهد جدید نیز با شدت تحریفات هنوز جای پای ضعیفی از مذمت شرابخواری باقی مانده است؛ به عنوان نمونه به يك مورد اشاره می کنیم:

"چون زکریا او را دید، در حیرت افتاده، ترس بر او مستولی شد. فرشته بدو گفت: ای زکریا ترسان مباش، زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است و زوجه ات ایصابات برای تو پسری خواهد زایید و او را یحیی خواهی نامید. و تو را خوشی و شادی رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت اومسرور خواهند شد. زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود، پر از روح القدس خواهد بود." <sup>۴۳</sup>

علیرغم تأکیدات شدید حضرت عیسی علیه السلام بر حفظ شریعت و حکم تورات به مذمت شرابخواری این پولس غاصب بود که منافقانه به تدریج شریعت حضرت عیسی علیه السلام را نقض نمود و در نهایت به مردم گفت آزاد باشید هر چه می خواهید بخورید و بیاشامید:

"پس کسی درباره خوردن و نوشیدن و درباره عید و هلال و سبت بر شما حکم نکند" <sup>۴۴</sup>

"چون که با مسیح از اصول ( بچه گانه و ابتدایی [rudiments دنیوی] به نظر پولس غاصب پیروی از دستورات حضرت عیسی علیه السلام کار بچه گانه ای ست!!!) مردید، چگونه است که مثل زندگان در دنیا بر شما فریاض نهاده می شود؟" <sup>۴۵</sup>

برای توضیح بیشتر درباره نقض شریعت توسط پولس دوستانمان را به [مطالعه "حقیقت پنهان برخی رسوم به اصطلاح مسیحی"](#) دعوت می نمائیم.

این نکته همیشه شایان توجه است که تحریفات پس از انبیاء علیهم السلام به دست غاصبان منصب وصایت ایشان رخ داد؛ یعنی اگر تعالیم حضرت موسی و عیسی علیهما السلام و اوصیای برگزیده الهی ایشان علیهم السلام به دست غاصبان ملعون تحریف نشده بود حکم تحریم شراب به وضوح در پی قرون و اعصار باقی مانده بود.

## حرمت شراب در تمامی ادیان الهی

روایات اسلامی از معصومین علیهم السلام نیز این حقیقت را تأیید می کنند:

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: "پیوسته خمر در علم خدا حرام بوده و نزد خدا حرام بوده و خدا هیچ نبی ای بر نیانگیخته و هیچ رسولی نفرستاده جز که در شرع او خمر حرام بوده است..." <sup>۴۶</sup>

<sup>۴۳</sup>. لوقا باب ۱ عبارات ۱۲-۱۵

<sup>۴۴</sup>. رساله به کولسیان فصل ۲ عبارت ۱۶

<sup>۴۵</sup>. رساله پولس به کولسیان فصل ۲ عبارت ۲۰

<sup>۴۶</sup>. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۶۳ ص ۴۸۸

روایت شده است امام رضا علیه السلام فرمودند:

"خداوند نبی ای را مبعوث نفرمود مگر به تحریم خمر و اقرار به اینکه خداوند هر آنچه بخواهد انجام می دهد و ..."<sup>۴۷</sup>

چه دردناک است که علیرغم تمام تاکیدات حضرت عیسی علیه السلام، در نتیجه پشت کردن مردم به تعالیم آن حضرت و وصی برحق او علیهما السلام و با پیروی از پولس غاصب و اساطیر باستانی -من جمله دیونیسوس خدای شراب و داستان تبدیل آب به شراب او- حضرت عیسی علیه السلام تا این حد مورد اهانت قرار گرفت که اولین معجزه وی را نیز تبدیل آب به شراب گزارش کرده اند!!!<sup>۴۸</sup>

شایان تذکر است که یکی از کارهایی که پولس غاصب کرد این بود که در گسترش دعوت مسیحیت به رومیان، یونانیان و ... هنگام مواجهه با آنان داستان حضرت عیسی علیه السلام را بر مبنای اسطوره هایشان، اسطورهایی چون دیونیسوس، تغییر داد، اسطوره هایی که برای آنان آشنا و دلپذیر بود... واضح است که شخصیت و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام در نتیجه ی همه این تحریفات کاملا دگرگون گشت؛ اینک که قلب های ما که برای حضرت عیسی علیه السلام، یار وفادار حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور، می تپد و از این همه تحریفات به در آمده است امید آن داریم که بتوانیم با ارائه حقیقت حضرت عیسی علیه السلام از ایشان اعاده حیثیت نماییم.

### شباهت های دیونیسوس و عیسی مسیحیان

در راستای این هدف، ما ابتدا هشت مورد شباهت های دیونیسوس و عیسی مسیحیان را که بیشتر ذکر شد به همراه برخی اسناد آنها از اناجیل کنونی تحریف شده و ملحقات آن در عهد جدید ارائه می کنیم سپس با استفاده از قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام حقیقت تحریف نشده را در هر مورد آشکار می کنیم:

#### ۱- دیونیسوس خدایی بود که انسان شد، منجی و پسر خدا

#### الف) خدا بودن و پسر خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام در دیدگاه عهد جدید

<sup>۴۷</sup>. بحار الانوار ج ۶۳ ص ۴۴۳

<sup>۴۸</sup>. انجیل یوحنا، باب دوم، ۱ تا ۱۳



"آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در منست، سخن هائی که من به شما می گویم از خود نمی گویم  
لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می کند - مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من  
است"<sup>۴۹</sup>

"در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و  
راستی و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر"<sup>۵۰</sup>

"کیست آنکه بر دنیا غلبه یابد؟ جز آنکه ایمان دارد که عیسی پسر خداست."<sup>۵۱</sup>

" زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات  
جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات  
یابد."<sup>۵۲</sup>

" پس همین فکر در شما باشد که در مسیح نیز بود - که چون در صورت خدا بود با خدا برابر بودن را غنیمت  
نشمرد لیکن خود را خالی کرده صورت غلام را پذیرفت در شباهت مردمان شد"<sup>۵۳</sup>

"و او صورت خدای نادیده است نخست زاده تمامی آفریدگان زیرا که در او همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و  
آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاست و قوات؛ همه به وسیله او و برا او  
آفریده شد"<sup>۵۴</sup>

...و

## ب) ابطال این تحریفات از سوی قرآن کریم

**"وَأَنَّهٗ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا"**

و اینکه شأن و عظمت پروردگار ما بلند است، نه همسری گرفته و نه فرزندی<sup>۵۵</sup>

<sup>۴۹</sup>. انجیل یوحنا باب چهارم شماره ۱۰-۱۲

<sup>۵۰</sup>. انجیل یوحنا باب اول عبارت اول و چهاردهم

<sup>۵۱</sup>. رساله اول یوحنا باب پنجم، عبارت ۵

<sup>۵۲</sup>. یوحنا، باب ۳، عبارت ۱۶ و ۱۷ و ۱۸

<sup>۵۳</sup>. رساله پولس به فیلیپیان باب ۲ شماره های ۵ و ۶ و ۷

<sup>۵۴</sup>. رساله پولس به کولسیان باب اول شماره ۱۷-۱۵

<sup>۵۵</sup>. قرآن کریم، سوره جن (۷۲)، آیه ۳

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ \* اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ \* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ"

به نام الله رحمان رحیم. بگو: او خدایی است یکتا\*خدای صمد\* نه کس را زاده، نه زاینده از کس\* و او را هیچ همتایی نباشد<sup>۵۶</sup>

"يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا. لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا"

ای اهل کتاب، در دین خود غلو مکنید، و در باره خدا جز حق مگویید. این است و جز این نیست که مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. # پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و خداوند بس کارساز است. مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد، و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند] و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد.<sup>۵۷</sup>

# بنا بر روایات اسلامی روح الله روحی ست مخلوق خدا که در حضرت عیسی علیه السلام قرار داده شد.<sup>۵۸</sup>

"لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ"

کسانی که گفتند: خدا همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه مسیح، می‌گفت: ای فرزندان اسرائیل، پروردگار من و پروردگار خودتان را پرستید که هر کس به خدا شرك آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست.<sup>۵۹</sup>

<sup>۵۶</sup>. قرآن کریم، سوره توحید(۱۱۲)، آیات ۴-۱

<sup>۵۷</sup>. قرآن کریم، سوره نساء(۴) آیات ۱۷۱ و ۱۷۲

<sup>۵۸</sup>. کافی ج ۱ ص ۱۳۳، ج ۲ و...

<sup>۵۹</sup>. قرآن کریم، سوره المائدة(۵) آیه ۷۲

## ۲- پدر دیونیسوس یک خدا بود و مادرش یک زن زمینی باکره

الف) اسناد مسیحی مدعی اینکه پدر عیسی علیه السلام خداست و مادرش زن زمینی باکره:

"آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در منست، سخن هائی که من به شما می گویم از خود نمی گویم لکن پدری که در من ساکن است او این اعمال را می کند - مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است"<sup>۶۰</sup>

"که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما"<sup>۶۱</sup>

"در آن روزها، مریم برخاست و به بلدی از کوهستان یهودیه بشتاب رفت. و به خانه زکریادرآمده، به ایصابات سلام کرد. و چون ایصابات سلام مریم را شنید، بچه در رحم او به حرکت آمد و ایصابات به روح القدس پر شده، به آواز بلند صدا زده گفت: تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو. و از کجا این به من رسید که **مادر خداوند من**، به نزد من آید؟ زیرا اینک چون آواز سلام تو گوش زدمن شد، بچه از خوشی در رحم من به حرکت آمد."<sup>۶۲</sup>

"لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد."<sup>۶۳</sup>

...و

<sup>۶۰</sup>. انجیل یوحنا باب چهارم شماره ۱۰-۱۲

<sup>۶۱</sup>. متی، باب ۱، عبارت ۲۳

<sup>۶۲</sup>. انجیل لوقا، باب ۱، عبارات ۳۹ الی ۴۴

<sup>۶۳</sup>. رساله پولس به غلاطیان، باب ۴، عبارت ۴

ب) ابطال این تحریف که خدا پدر عیسی علیه السلام است و تایید این حقیقت که مادرش مریم باکره سلام الله علیها بود:

"وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يَضَاهُوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ"

یهود گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند که عیسی پسر خداست این سخن [باطلی] است که بر زبان می آورند و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شدند شباهت دارد خدا بکشدشان، به کجا منحرف می شوند؟<sup>۶۴</sup>

"لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است» مسلماً کافر شده اند. بگو: اگر [خدا] اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر که را که در زمین است، جملگی به هلاکت رساند، چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد؟ فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست. هر چه بخواهد می آفریند، و خدا بر هر چیزی تواناست.<sup>۶۵</sup>

"مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَأَنَّا بِكُلَّانِ الطَّعَامِ أَنْظَرُ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظَرُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ"

مسیح، پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود. هر دو غذا می خوردند. بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می دهیم سپس ببین چگونه [از حقیقت] منحرف می شوند.<sup>۶۶</sup>

<sup>۶۴</sup>. قرآن کریم؛ سوره توبه (۹)، آیه ۳۰

<sup>۶۵</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیه ۱۷

<sup>۶۶</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیه ۷۵

"وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيْ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ"

و آنگاه که خدا به عیسی بن مریم گفت: آیا تو به مردم گفتی که مرا و، مادرم را سوای الله به خدایی گیرید؟ گفت: به پاکی یاد می کنم تو را. مرا نشاید که آنچه حق من نیست بگویم. اگر من این را گفته بودم بی شک می دانستی. تو به آنچه در ضمیر من می گذرد دانایی و من از آنچه در ذات تو است بی خبرم، فقط تویی که از رازهای نهانی آگاهی.<sup>۶۷</sup>

"لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ"

کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند: خدا سومین از سه است، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید.<sup>۶۸</sup>

"وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَانِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا"

و در این کتاب مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی قرار گرفت. و میان خود و آنان حجابی افکند. در این هنگام، ما روح خود [یکی از ملائکه الهی] را بسوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! او گفت: من از تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! گفت: من فرستاده پروردگار توام تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!

<sup>۶۷</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیه ۱۱۶

<sup>۶۸</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیه ۷۳

گفت: چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام!

گفت: چنین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! و او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری حتمی است!<sup>۶۹</sup>

همچنین در روایات اسلامی آمده است که امام باقر علیه السلام فرمودند ابلیس با خبر گشت در خلال شب جاری [شب میلاد حضرت عیسی علیه السلام] کودکی پا به عرصه وجود خواهد نهاد که تمام بت‌ها در برابرش سر تعظیم فرود خواهند آورد. شیطان که این خبر را شنید در جستجوی مسیح بود تا اینکه او را در خانه راهبی دید که گروهی از فرشتگان گرداگردش حلقه زده‌اند. آن‌ها خطاب به ابلیس گفتند: دور شو، اما وی از فرشتگان خواست تا پدر عیسی را معرفی کنند. آن‌ها گفتند مثل او مانند آدم علیه السلام است که بدون پدر به دنیا آمد آنگاه شیطان قسم خورد که از همین روزنه چهار پنجم مردم را گمراه سازد.<sup>۷۰</sup>

### ۳- دیونیسوس در یک غار یا یک اصطبل ساده در بیست و پنجم دسامبر در برابر سه چوپان به دنیا آمد.

#### الف) داستان به دنیا آمدن حضرت عیسی علیه السلام در انجیل

"۵ تا نام او بامریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد ۶. و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده، ۷ پسر نخستین خود رازایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور (اصطبل) خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود ۸. و در آن نواحی، شبانان در صحرا بسر می بردند و در شب پاسبانی گله‌های خویش می کردند ۹. ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبریایی خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند ۱۰. فرشته ایشان را گفت: مترسید، زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم که برای جمیع قوم خواهد بود ۱۱. که امروز برای شما در شهر داود، نجات‌دهنده‌ای که مسیح خداوند باشد متولد شد ۱۲. و علامت برای شما این است که طفلی در قنداقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت ۱۳. در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح‌کنان می‌گفتند: ۱۴ خدا را در اعلی‌ین جلال و بر زمین

<sup>۶۹</sup>. قرآن کریم؛ سوره مریم (۱۹) آیات ۱۶ الی ۲۱

<sup>۷۰</sup>. النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، ص ۴۰۶

سلامتی و در میان مردم رضامندی باد. ۱۵ و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: الان به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است ببینیم. ۱۶ پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند. ۱۷ چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند. ۱۸ و هر که می شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند، تعجب می نمود. ۱۹ اما مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می داشت. ۲۰<sup>۷۱</sup>

اسناد مسیحی میلاد حضرت عیسی علیه السلام را بیست و پنج دسامبر معرفی کرده اند. رجوع شود به مقاله ["ناگفته هایی از کریسمس"](#) و ["میلاد عیسی مسیح علیه السلام"](#).

ب) بیان حقیقت از قرآن کریم درباره به دنیا آمدن حضرت عیسی علیه السلام

**"فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا  
فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا  
فَنَادَتْهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا  
وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا  
فَكَلِي وَ اَشْرَبِي وَ قَرِي عَيْنًا فَاِمَّا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا فَقُولِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَانِ صَوْمًا فَلَنْ اُكَلِّمَ الْيَوْمَ  
اِنْسِيًّا"**

پس به او آبستن شد و او را با خود به مکانی دور افتاده برد. درد زاییدن او را به سوی تنه درخت خرمايي کشانید. گفت: ای کاش پیش از این مرده بودم و از یادها فراموش شده بودم. [کودک] از زیر او ندا داد: محزون مباش، پروردگارت از زیر پای تو جوی آبی روان ساخت. و این تنه نخل را به طرف خود بتکان تا بر تو رطب تازه فرو ریزد. پس بخور و بیاشام و چشم روشن دار. پس اگر از آدمیان کسی را دیدی بگویی: برای خدای رحمان روزه نذر کرده ام و امروز مطلقاً با بشری سخن نخواهم گفت.<sup>۷۲</sup>

<sup>۷۱</sup>. انجیل لوقا، باب ۲

<sup>۷۲</sup>. قرآن کریم؛ سوره مریم (۱۹)، آیات ۲۲ الی ۲۶

۴- دیونیسوس به پیروانش امکان تولد مجدد از طریق غسل تعمید را می داد.

### الف) اسناد غسل تعمید در مسیحیت

"لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است و تا ایمان آورده به اسم او حیات یابید." <sup>۷۳</sup>

"پس رفته همه امته را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید." <sup>۷۴</sup>  
"زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را در برگرفتید." <sup>۷۵</sup>

"و با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید." <sup>۷۶</sup>

...و

### ب) دیدگاه قرآنی درباره تولد مجدد

مسیحیان با اعتقاد به اصل تحریف شده "گناه نخستین" معتقدند که نوزادان گناهکار به دنیا می آیند و با غسل تعمید پاک می شوند. اسلام این موضوع را نفی می کند و گناه را صرفاً مربوط به اعمال انسان مختار عاقل و بالغ می داند که توسط توبه خالصانه و تصحیح اعمال و اعتقادات فرد و اطاعت خداوند و جبران خسارات وارده می تواند پاک شود مثل اینکه دوباره پاک از مادر متولد شده است. شایان تذکر است که غسل های وارد شده در اسلام به هیچ وجه با فلسفه ی غسل تعمید در مسیحیت شباهتی ندارد بلکه برای پاک شدن جسم و روح انسان بالغ می باشد.

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ..."

ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبه کنید، توبه ی نصوح، امید است که پروردگارتان گناهانتان را محو کند و شما را به بهشتیایی داخل کند که در آن نهرها جاری است... <sup>۷۷</sup>

<sup>۷۳</sup>. یوحنا، باب ۲۰، عبارت ۳۱

<sup>۷۴</sup>. انجیل متی باب ۲۸ شماره ۱۹

<sup>۷۵</sup>. رساله پولس به غلاطیان، باب ۳، عبارت ۲۷

<sup>۷۶</sup>. رساله پولس به کولسیان فصل ۲ عبارت ۱۲

<sup>۷۷</sup>. قرآن کریم؛ سوره تحریم (۶۶)، آیه ۸



"وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ"

و بی تردید من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند و آنگاه به راه هدایت آید.<sup>۷۸</sup>

۵- دیونیسوس به صورت معجزه آسایی در یک جشن عروسی آب را به شراب تبدیل کرد.

**الف) تبدیل کردن آب به شراب از سوی عیسی مسیحیان به نقل از اناجیل**

و در روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود. و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند. و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: شراب ندارند. عیسی به وی گفت: ای زن مرا با توجه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است. مادرش به نوکران گفت: هر چه به شما گوید بکنید. و در آنجا شش قدح سنگی بر حسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت. عیسی بدیشان گفت: قدحها را از آب پر کنید. و آنها را لبریز کردند. پس بدیشان گفت: الان بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید. پس بردند؛ و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود، بچشید و ندانست که از کجا است، لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند، می دانستند، رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته، بدو گفت: هر کسی شراب خوب را اول می آورد و چون مست شدند، بدتر از آن. لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی؟ و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند.<sup>۷۹</sup>

**ب) ابطال این تحریف و سند قرآنی و روایی از حرمت شراب**

"يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ..."<sup>۸۰</sup>

تو را از شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن دو گناهی کبیره است...

"قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَثْمَ وَ..."

<sup>۷۸</sup>. قرآن کریم؛ سوره طه (۲۰)، آیه ۸۲

<sup>۷۹</sup>. انجیل یوحنا، باب ۲، عبارات ۱ الی ۱۱

<sup>۸۰</sup>. قرآن کریم؛ سوره بقره (۲)، آیه ۲۱۹

بگو: « اینست و جز این نیست که پروردگار من حرام کرده است فواحش را، چه آشکار باشد چه پنهان، و گناه را و ...<sup>۸۱</sup> »

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ"

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و گروبندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید. شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد، پس آیا دست بردار هستید؟<sup>۸۲</sup>

پیشتر هم روایاتی را نقل کردیم که در آنها اشاره شده بود که شراب در شریعت تمامی انبیاء الهی حرام بوده است. اینک به چند نمونه از روایات معصومین علیهم السلام در مورد تحریم شراب در اسلام اشاره می کنیم:

مسعدة بن زیاد از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "هر کس در یکی از رگهایش چیزی اندک از آنچه بسیارش مست میکند داخل سازد، خداوند عزیز آن رگ را به سیصد و شصت نوع عذاب شکنجه خواهد کرد."<sup>۸۳</sup>

و نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

"بحق آن که مرا بحق برانگیزانیده است شارب الخمر تشنه میمیرد و در قبر تشنه است و روز قیامت تشنه برانگیخته می شود و فریاد میکند واعطشاه وای از تشنگی هزار سال. پس او را آبی میدهند مانند مس گداخته که روی ها را بریان میکند بد آشامیدن است و بد مکانیست پس روی او پخته می شود و دندان ها و چشم های او در آن ظرف میریزد پس او را چاره نیست از آشامیدن آن پس گداخته می شود آن چه در شکم او است."<sup>۸۴</sup>

<sup>۸۱</sup>. قرآن کریم؛ سوره اعراف (۷) آیه ۳۳

<sup>۸۲</sup>. قرآن کریم؛ سوره مائده (۵) آیه ۹۰ و ۹۱

<sup>۸۳</sup>. ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص ۵۵۶

<sup>۸۴</sup>. کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار ص ۱۳۵

نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند:

"به آن که مرا بحق به پیغمبری برانگیزانید نیاشامد خمر را مگر ملعون در توریة و انجیل و زبور و فرقان"<sup>۸۵</sup>

نقل شده است از امام صادق علیه السلام پرسیدند: برای چه خداوند خمر را حرام کرد که لذتی بالاتر از آن نیست؟ امام صادق فرمودند:

"آن را ممنوع کرد چون أمّ الخبائث است، و رأس هر بدی، زیرا بر شراب خمر (مست) لحظه‌ای می‌آید که عقل از او گرفته شده و خدایش را نمی‌شناسد، و دست خود به هر معصیت و گناه آلوده می‌سازد حتّی از هتك حرمت محارم نیز ابایی ندارد، و زمام و مهار فرد مست بدست شیطان است، اگر او را فرمان به سجده بت‌ها نماید همان کند، و هر کجا که او را بکشد اطاعت می‌کند."<sup>۸۶</sup>

نقل شده است فردی از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسید که بیماری بواسیر سختی داشت و برایش دارویی تجویز کرده بودند که شراب داشت و گفت او قصد لذت ندارد و صرفاً قصد درمان دارد. حضرت به او فرمودند که نباید حتی جرعه‌ای از آن را بخورد. برای آنکه حرام است و خداوند متعال در چیزی که حرام کرده است شفا و دوا قرار نداده است.<sup>۸۷</sup>

در روایت دیگری نقل شده است که زنی به امام صادق علیه السلام عرض کرد که برای بیماری اش شراب تجویز کرده اند و از ایشان پرسید که آیا می‌تواند آن را بنوشد. حضرت به او فرمودند که من به تو اجازه قطره‌ای از آن را ندهم و يك قطره از آن نچش که زمانی که جانت به گلو رسید پشیمان می‌شوی.<sup>۸۸</sup>

از فضل بن شاذان نقل شده است که گفت از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند:

"چون سر مبارك حسین بن علی علیه السلام را به شام بردند یزید لعنه الله علیه دستور داد که آن سر را در مجلسش گذاشتند و سفره غذا را گسترانیدند. آن ملعون با اصحاب خود شروع کردند به طعام خوردن و آبجو (فقاع) خوردند. پس از فراغت دستور داد آن سر مبارك را در میان طشتی گذاشتند و در زیر تخت او گذاشتند و بر روی تخت سفره شطرنج پهن کردند و آن ملعون نشست به شطرنج بازی کردن و نام حسین و پدر

<sup>۸۵</sup>. کاشف الاستار در ترجمه جامع الاخبار ص ۱۴۰

<sup>۸۶</sup>. احتجاج، ترجمه جعفری ج ۲ ص ۲۳۷

<sup>۸۷</sup>. از بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۵۹ ص ۸۶

<sup>۸۸</sup>. از بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ص ۵۹ ص ۸۸

بزرگوارش علیهما السلام و جد امجدش صلی الله علیه و آله را می برد و سخریه و استهزا به ایشان می نمود و چون بر حریف خود در قمار غالب می آمد سه مرتبه آبجو (فقاع) میخورد پس از آن باقیمانده آن را در پهلوی طشت بر روی زمین می ریخت. پس هر کسی که از شیعیان ما باشد باید از آبجو (فقاع) خوردن و شطرنج بازی کردن دوری کند و هر کس آبجو (فقاع) یا شطرنج ببیند باید حسین علیه السلام را یاد کند و یزید و آل زیاد را لعنت کند و اگر چنین کرد حقتعالی گناهان او را محو کند اگر چه به عدد ستارها باشد.<sup>۸۹</sup>

قابل تذکر است که هنوز برخی از فرقه های اهل کتاب هر چند خود نیز تحریف شده هستند، مانند فرقه مورمون ها<sup>۹۰</sup> و ای میش های<sup>۹۱</sup> مسیحیت، احکامی در مورد تحریم شراب دارند. فرقه هایی از مسیحیت که مشروبات الکلی را حرام می دانند به تحریم گرایان<sup>۹۲</sup> مشهورند:

"تحریم گرایانی چون استفن رینولدز<sup>۹۳</sup> و جک ون ایمپ<sup>۹۴</sup> بر این باورند که عهدین<sup>۹۵</sup> از نوشیدن الکل منع می کند، و عده ای معتقدند که اشاره ای که به مصرف به اصطلاح شراب برای مصارف پزشکی در تیموتی 1: 23 شده است اشاره ای ست به آب انگور تخمیر نشده. آن ها معتقدند که واژه های استفاده شده برای نوشیدنی های الکلی در عهدین می تواند بر انواع غیر الکلی مثل آب انگور تخمیر نشده هم دلالت کند و به این دلیل بافت متن می بایست تعیین کند که کدام معنا مورد نظر است. در متونی که در آن ها دیدی منفی نسبت به نوشیدنی ها وجود دارد تحریم گرایان آن ها را نوشیدنی های الکلی می دانند و آنجا که به نوشیدنی ها دیدی مثبت وجود دارد معتقدند اشاره به نوشیدنی های غیر الکلی می باشد. تحریم گرایان ترجمه کنندگان عهدین را نیز متهم می کنند به ارائه ی تمایل و سوگیری به سمت الکل که معنای متون اصلی را تیره و تاریک و مبهم می سازد."<sup>۹۶</sup>

<sup>۸۹</sup>. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۲

<sup>۹۰</sup>. Mormons

<sup>۹۱</sup>. Amish

<sup>۹۲</sup>. Prohibitionists

<sup>۹۳</sup>. Stephen Reynolds

<sup>۹۴</sup>. Jack Van Impe

<sup>۹۵</sup>. Bible

<sup>۹۶</sup>. English Wikipedia

## ۶- دیونیسوس به عنوان قربانی برای گناهان دنیا مُرد .

### الف) اسناد فدا در عهد جدید

از قول حضرت عیسی مسیح علیه السلام نقل شده است:

"زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود." <sup>۹۷</sup>  
"چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد." <sup>۹۸</sup>  
"و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است . مر او را که ما را محبت می نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست." <sup>۹۹</sup>  
"لکن خدا محبت خود را بر ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح در راه ما مرد." <sup>۱۰۰</sup>

### ب) ابطال این باور در قرآن مجید و بیان نحوه آمرزیده شدن

بنا بر دیدگاه قرآنی حضرت عیسی علیه السلام کشته نشدند بلکه خداوند ایشان را بالا برد. در این زمینه دوستانمان را به مطالعه مقالات "[عروج حضرت عیسی علیه السلام](#)" و "[معراج حضرت محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین](#)" دعوت می کنیم.

"وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا . بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا"

و گفته ایشان که: ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و

<sup>۹۷</sup> انجیل متی، باب ۲۶، عبارت ۲۸

<sup>۹۸</sup> متی، باب ۲۰، عبارت ۲۸ و مرقس، باب ۱۰، عبارت ۴۵

<sup>۹۹</sup> مکاشفات یوحنا، باب ۱، عبارت ۵

<sup>۱۰۰</sup> رساله پولس به رومیان، باب پنجم، شماره ۸

هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود فرا بُرد، و خدا توانا و حکیم است.<sup>۱۰۱</sup>

از سوی دیگر بنا بر دیدگاه قرآنی هیچ کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد:

"مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ..."

هر که هدایت شود به سود خود هدایت شده و هر که گمراه گردد به زیان خودگمراه شده است و هیچ کس بار دیگری را بر ندارد ...<sup>۱۰۲</sup>

"كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ"

هر کس در گرو کاریست که کرده است.<sup>۱۰۳</sup>

اما شفاعت مقوله ایست کاملاً متفاوت. اگر خداوند بخواهد شفاعت برخی از برگزیدگانش را در مورد بندگانی که احتمالاً خطایی مرتکب شده اند لیکن ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین را با جان و دل پذیرفته اند می‌پذیرد:

"...من ذالذی یشفع عنده الا باذنه..."

...کیست که در پیشگاه او جز به اذن او شفاعت کند...<sup>۱۰۴</sup>

روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

"و سوگند به آن کسی که جان من در قبضه قدرت اوست، هیچ بنده ای از عملش سود نمی‌برد، مگر این که به حق ما معرفت داشته باشد."<sup>۱۰۵</sup>

<sup>۱۰۱</sup>. قرآن کریم، سوره نساء (۴)، آیات ۱۵۷ و ۱۵۸

<sup>۱۰۲</sup>. قرآن کریم؛ سوره اسراء (۱۷)، آیه ۱۵

<sup>۱۰۳</sup>. قرآن کریم؛ سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۸

<sup>۱۰۴</sup>. قرآن کریم؛ سوره بقره (۲)، آیه ۲۵۵

<sup>۱۰۵</sup>. بحار الانوار ج ۲۷، ص ۹۰، ح ۴۵

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در تفسیر قول خدای عز و جل «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» «سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کردار شایسته، آن را بالا برد»<sup>۱۰۶</sup>

فرمودند: "ولایت ما اهل بیت است، و به دست خود اشاره به سینه شان نموده و فرمودند: هر که ولایت ما را نداشته باشد خدا عملی از او بالا نبرد."<sup>۱۰۷</sup>

۷- دیونیسوس بعد از مرگش سه روز در جهنم ظهور کرد سپس در روز سوم زنده شد و عروج کرد .

الف) اسناد بودن عیسی مسیحیان در خاک یعنی به تعبیر آن‌ها بودن خدا و پسر خدا در جهنم زیر خاک و عروج او پس از دو یا سه روز در عهد جدید

"زیرا همچنانکه یونس سه شبانه‌روز در شکم ماهی ماند، پسر انسان نیز سه شبانه‌روز در شکم زمین خواهد بود."<sup>۱۰۸</sup>

"آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و روسای کهنه و کاتبان رد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد."<sup>۱۰۹</sup>

"و چون ایشان در جلیل می‌گشتند، عیسی بدیشان گفت: پسر انسان بدست مردم تسلیم کرده خواهد شد، و او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست. پس بسیار محزون شدند."<sup>۱۱۰</sup>

"که اینک به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به دست روسای کهنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امتهای سپارند، و بر وی سخریه نموده، تازیانه‌اش زنند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست."<sup>۱۱۱</sup>

<sup>۱۰۶</sup>. سوره فاطر(۳۵)، آیه ۱۰

<sup>۱۰۷</sup>. الکافی ج ۱، ص ۴۳۰،

<sup>۱۰۸</sup>. متی، باب ۱۲، عبارت ۴۰

<sup>۱۰۹</sup>. مرقس، باب ۸، عبارت ۳۱

<sup>۱۱۰</sup>. متی، باب ۱۷، عبارات ۲۲ و ۲۳

<sup>۱۱۱</sup>. مرقس، باب ۱۰، عبارات ۳۳ و ۳۴

در مورد اختلاف در تعداد روزهای در زیر خاک بودن عیسی مسیحیان به مقاله "[ناگفته‌هایی از عید پاک](#)" رجوع شود.

ب) بیان حقیقت درباره عروج حضرت عیسی علیه السلام پیش از مرگ ایشان (که مرگ آن حضرت هنوز به وقوع نپیوسته است) در قرآن کریم

"وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا . بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا"

و گفته ایشان که: ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود فرا بُرد، و خدا توانا و حکیم است.<sup>۱۱۲</sup>

برای توضیحات بیشتر به مقاله "[رجعت ثانی حضرت عیسی علیه السلام](#)" و "[عروج حضرت عیسی علیه السلام](#)" و "[معراج حضرت محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین](#)" رجوع فرمائید.

۸- مرگ و رستاخیز دیونیسوس به وسیله نان و شراب که سمبل جسم و خون او بودند جشن گرفته می شد...

الف) مراسم عشاء ربانی در عهد جدید و کتب مسیحی

انجیل مرقس شب آخر زندگانی حضرت عیسی را توصیف می کند و می گوید:

<sup>۱۱۲</sup>. قرآن کریم، سوره نساء (۴)، آیات ۱۵۷ و ۱۵۸



"و چون غذا می خوردند نان را گرفته برکت داده و پاره کرده، به ایشان داد و گفت بگیری و بخورید که این جسد من است و پیاله ای گرفته، شکر نمود [به شکر آغشته نمود] به ایشان داد و همه از آن آشامیدند و به ایشان گفت: اینست خون من از عهد جدید که در راه بسیار ریخته می شود." <sup>۱۱۳</sup>

در انجیل لوقا آمده:

"و نان را گرفته شکر نمود و پاره کرد به ایشان داد گفت اینست جسد من که برای شما داده می شود این را بیاد من بجا آورید و همچنین بعد از شام پیاله را گرفته گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می شود. بخورید که خون من عیسی مسیح است." <sup>۱۱۴</sup>

"من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند و نانی که من عطامی کنم جسم من است که آن را بجهت حیات جهان می بخشم ۵۲ پس یهودیان با یکدیگر مخاصمه کرده، می گفتند: چگونه این شخص می تواند جسد خود را به ما دهد تا بخوریم؟ ۵۳ عیسی بدیشان گفت: آمین آمین به شما می گویم اگر جسد پسرانسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. ۵۴ و هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید. ۵۵ زیرا که جسد من، خوردنی حقیقی و خون من، آشامیدنی حقیقی است. ۵۶ پس هر که جسد مرا می خورد و خون مرا می نوشد، در من می ماند و من در او. ۵۷ چنانکه پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده هستم، همچنین کسی که مرا بخورد او نیز به من زنده می شود. ۵۸ این است نانی که از آسمان نازل شد، نه همچنان که پدران شما من را خوردند و مردند؛ بلکه هر که این نان را بخورد تا به ابد زنده ماند. ۵۹" <sup>۱۱۵</sup>

در رساله اول پولس به قرنتیان، چنین آمده:

"به خردمندان سخن می گویم خود حکم کنید بر آنچه می گویم. پیاله برکت که آن را تبرک می خوانید آیا شراکت در خون مسیح نیست و نانی را که پاره می کنید آیا شراکت در بدن مسیح نی. زیرا که ما بسیاریم، یک تن می باشیم چون که همه از یک نان قسمت می یابیم." <sup>۱۱۶</sup>

ویلیام میلر مبلغ معروف امریکایی مسیحیت در ایران در کتاب خود <sup>۱۱۷</sup> نوشته است:

<sup>۱۱۳</sup> . انجیل مرقس باب ۱۴، عبارات ۲۲ الی ۲۴

<sup>۱۱۴</sup> . انجیل لوقا، باب ۲۲، عبارت ۱۹ و ۲۰

<sup>۱۱۵</sup> . انجیل یوحنا، باب ششم، عبارت ۵۱

<sup>۱۱۶</sup> . رساله اول پولس به قرنتیان، باب ۱۰، ۱۷-۱۵

<sup>۱۱۷</sup> . تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ویلیام میر، صفحه ۴۲

"آیین دیگری را که مسیح برقرار فرمود عشاء ربانی میباشد که عبارت است از غذایی که افراد مجمع در آن شرکت مینمایند... در این عشاء نان به منزله جسم مصلوب مسیح در راه نجات ما میباشد و پیاله نشانه ریختن خون وی می باشد.... مسیحیان بتوسط شرکت در این غذا بستگی خود را به مسیح اظهار میدارند."

در کتاب مسیحیت اثر هاردی کاکس مساله این گونه مطرح گردیده است:

"عشاء ربانی که گاهی مجلس سپاسگزاری یا شام خداوند خوانده می شود آیین یا حکم دیگری است که تقریباً تمام کلیساهای مختلف مسیحی در آن سهیم اند. این مراسم از "شام آخر" مشهور عیسی ریشه می گیرد؛ شامی که عیسی مسیح با شاگردانش در اورشلیم در آن شبی خورد که یهودای اسخر یوطی به وی خیانت کرد و او در روی کوه زیتون دستگیر شد... به هر حال او در حال خوردن نان و شراب با شاگردانش به این عناصر به عنوان بدن و خورش اشاره کرد و به پیروانش آموزش داد که شکستن نان و نوشیدن شراب را به همین طریق به یاد بود او ادامه دهند."<sup>۱۱۸</sup>

"کلیسای اولیه معتقد بود که نان یادآور جسم و شراب یادآور خون عیسی است ولی از قرن نهم میلادی برخی از مریبان معتقد شدند که نان حقیقتاً مبدل به ماده حقیقی جسم مسیح می گردد و در سال ۱۲۱۵ میلادی جزء ایمان و دیانت مسیحیت واقع شد." [پس واقعا اعتقاد دارند که جسم و خون خدا را می خورند!!!]<sup>۱۱۹</sup>

### ب) ابطال این خرافات در قرآن کریم

**"قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ"**

ای اهل کتاب، به ناحق در دین خویش غلو مکنید، و از خواهش های آن، مردمی که از پیش گمراه شده بودند و بسیاری را گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند پیروی مکنید.<sup>۱۲۰</sup>

<sup>۱۱۸</sup> . مسیحیت، هاردی کاکس ترجمه سلیمانی اردستانی صفحات ۴-۱۱۳

<sup>۱۱۹</sup> . تاریخ کلیسا، جان الدر، چاپ بروخیم، ۱۹۴۷، صفحه ۵۹

<sup>۱۲۰</sup> . قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیه ۷۷

علامه نوری می گوید: عشاء ربانی همان شرکت جستن و سهیم شدن افراد در گوشت و یا خون شیء مقدس همان آئین توتمی است که قبل از شیوع مسیحیت در اروپا، میان بت پرستان و مشرکین اروپائی رواج کامل داشت.<sup>۱۲۱</sup> همانطور که قبلاً متذکر شدیم اساساً قرآن مجید حضرت عیسی علیه السلام را پیامبر خداوند می داند و مصلوب شدن آن حضرت را رد می کند. بر اساس آموزه های اسلامی حضرت عیسی علیه السلام در حال حاضر زنده و در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشند. همچنین شراب از دیدگاه همه انبیاء علیهم السلام همواره پلید و حرام بوده است.

تأمل برانگیز است که چگونه انسان عاقل متمدن می تواند قائل به این باشد که خدا خون دارد و شراب نجس خون خداست و آن را می خورد یا اینکه خدا جسم دارد و بعد جسم خدا را می خورد!!! امروزه بشریت متفقاً انسان های آدم خوار را فاقد عقل و تمدن می داند آیا سزاوار نیست آنانی که بر این باورند که جسم و خون خدایشان را می خورند در مورد عقل و تمدن خود بیاندیشند!!!

## پایان نامه

قرآن کریم این انحرافات در مورد حضرت عیسی علیه السلام را تصحیح کرد و مجدداً کل بشریت را به صراط مستقیم دعوت نمود. دوستانمان را به مطالعه دیگر مقالات این سایت من جمله مقاله "عیسی حقیقی" (فصل اول همین کتاب) دعوت می کنیم. قرآن کریم این بشارت را می دهد که دین خداوند - توحید حقیقی - در سراسر جهان گسترده خواهد شد.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز به امر خداوند از آسمان فرود می آیند و به آن حضرت ملحق می گردند. آن لحظه ی شکوهمند زمانی است که تعصب های جاهلانه دیگر وجود نخواهند داشت و آنان که خود را یهودی خوانند، به همراه آنان که خود را مسیحی خوانند به همراه حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه اقتدا خواهند نمود و جهان در سایه قوانین الهی یکپارچه و متحد خواهد شد.

بیاید با قلب هایی پر محبت و اذهانی روشن بواطن نیرنگ آلود تبلیغات دنیای امروز را درک کنیم و صمیمانه و سخت کوشانه به سوی آن روز زیبا رهسپار شویم.

<sup>۱۲۱</sup>. اسلام و عقاید بشری، صفحه ۴۵۱، چاپ فراهانی ۱۳۴۶

"وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخُلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ"

و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستان های پر نعمت درمی‌آوردیم.<sup>۱۲۲</sup>

---

<sup>۱۲۲</sup>. قرآن کریم، سوره مائده (۵) آیه ۶۵

# فصل چهارم

## حضرت عیسیٰ علیه السلام و شراب

تردید نیست که انبیاء و سفیران الهی جهت اثبات ارتباط خود با خالق هستی کارهایی را انجام می دهند که انسان های معمولی هرگز قادر به انجام آن نوع کارها نیستند. این کارهای غیر عادی، به نام معجزات و یا خوارق عادات نامیده می شوند؛ و همه پیامبران الهی، دارای این قدرت و توان از سوی خدای تعالی بوده اند؛ که هرگاه پروردگار سبحان اجازه می داد، به انجام این امور اقدام می نموده اند؛ و کتاب های آسمانی به فراوانی ترجمان معجزات انبیاء می باشند؛ و از جمله آن کتاب ها، قرآن مقدس است، که معجزاتی چون معجزه ی کشتی نوح پیامبر، عصای حضرت موسی، تسخیر باد به دست حضرت سلیمان و... را صراحتاً ذکر می نماید.

کتاب عهد جدید نیز در صورت های چهارگانه ی خودیعنی متی، مرقس، لوقا و یوحنا... کارهای خارق العاده ی فراوانی را به حضرت عیسی مسیح علیه السلام نسبت می دهد که هیچ مانعی در قبول آنها وجود ندارد؛ اما یک مورد عجیب را در انجیل منسوب به یوحنا می یابیم که شدیداً شگفت انگیز و تعجب آور می باشد! که ما ابتدا آن مورد را نقل کرده، سپس به نقد آن خواهیم پرداخت:

و در روز سیم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود - و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند- و چون شراب تمام شد مادر عیسی بدو گفت شراب ندارند- عیسی به وی گفت ای زن مرا با تو چه کار است- ساعت من هنوز نرسیده است- مادرش به نوکران گفت هر چه به شما گوید بکنید- و در آنجا شش قدح سنگی بر حسب تطهیر یهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت عیسی بدیشان گفت قدح ها را از آب پر کنید و آنها را لبریز کردند- سپس بدیشان گفت الان بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید پس بردند- و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب گردیده بود بچشید و ندانست که از کجا است لیکن نوکرانی که آب را کشیده بودند می دانستند رئیس مجلس داماد را مخاطب ساخته و بدو گفت - هر کسی شراب خوب را اول می آورد و چون مست شدند بدتر از آن لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی و این ابتدای معجزاتیست که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آورند.<sup>۱۳۳</sup>

کاملاً مسلم است که بنا به گفته ی «یوحنا»، نخستین معجزه ی حضرت عیسی مسیح علیه السلام ساختن شراب مسکر بوده چرا که عبارت «و چون مست شدند» آمده و از این کلمه کاملاً روشن می شود که حضرتش شراب مست کننده ساخته اند.

قضیه ی شراب به همین مقدار خلاصه نمی شود بلکه در عهد جدید موارد دیگری نیز در زمینه ی شراب و ارتباط آن با حضرت عیسی مسیح علیه السلام وجود دارد. به برخی از آنها ذیلاً توجه می کنیم:

<sup>۱۳۳</sup>. انجیل یوحنا، باب دوم، شماره های ۱ تا ۱۲

زیرا که یحیی آمد نه می خورد و نمی آشامید می گویند دیو دارد- پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد می گویند اینک مردی پر خور و میگسار و دوست باجگیران و گناهکاران است لیکن حکمت از فرزندان خود تصدیق کرده شده است.<sup>۱۲۴</sup>

اما به شما می گویم که بعد از این میوه مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود تازه آشامم.<sup>۱۲۵</sup>

به کلمه «نخواهم نوشید» دقت فرمایید: از مَوْ چه چیزی حاصل می شود که قابل نوشیدن است؟! زیرا که یحیی تعمید دهنده آمد که نه نان می خورد و نه شراب می آشامید می گویند دیو دارد- پسر انسان آمد که می خورد و می آشامد می گویند اینک مردیست پر خور و باده پرست و دوست باجگیران و گناهکاران.<sup>۱۲۶</sup>

وقتی قسمت های نقل شده را کنار باب دوم انجیل یوحنا قرار دهیم امور ذیل روشن می شود:

- ۱) حضرت عیسی مسیح علیه السلام به عنوان عرضه ی معجزه ی خویش، به «شراب سازی» می پردازند.
- ۲) وی - العیاذبالله - نه تنها شراب ساز بوده بلکه «شراب خوار و می گسار» نیز بوده است.
- ۳) در آخرین لحظات زندگی از این کار دست برمی دارد.
- ۴) در عین حال دیگران را به این عمل تشویق و ترغیب می کند؛ و مراسم عشاء ربّانی دلیل واضحی است که علاقمندی آن جناب به شرابخواری نسبت به پیروان نشان می دهد.

وقتی مطلب شراب خواری را در «کتاب مقدس» تعقیب می کنیم به نکات جالب دیگری برخورد می کنیم که ما در شماره های پیشین، قسمت هایی را نقل کرده بودیم که جهت یادآوری برخی از آنها مجدداً ذکر می شود: در سفر پیدایش (عهد عتیق)، باب ۹، شماره های ۲۱ و ۲۲، سخن از غرس تاکستان توسط نوح به میان آمده، و بعد هم شراب نوشیدن و مست شدن او - العیاذ بالله -.

در سفر پیدایش باب ۱۹، شماره های ۳۰ تا ۳۸، بحث از شراب نوشاندن به «لوط» توسط دختران وی، و به دنبال مستی او - العیاذ بالله - همبستری او با دو دخترش (ثمره ی این عمل ننگین)، و انعقاد نطفه ی دو فرزند از این عمل شنیع بیان شده است.

<sup>۱۲۴</sup> انجیل متی، باب یازدهم، شماره های ۱۸ و ۱۹

<sup>۱۲۵</sup> انجیل متی، باب ۲۶، شماره ۲۹

<sup>۱۲۶</sup> انجیل لوقا، باب ۷، شماره های ۳۳ و ۳۴

و این هم توصیه ی جناب «پولس» به «تیموتاؤس»:

دیگر آشامنده فقط مباش بلکه به جهت شکمت و ضعفهای بسیار خود شرابی کم میل فرما.<sup>۱۲۷</sup>

آری چنین است، ماجرای کتابی که نام آن را «مقدس» نهاده اند، که این کتاب بسیار مقدس به این راحتی ساحت پاک و مقدس انبیاء الهی را آلوده می کند و آنان را از ناپاک ترین بندگان خدا معرفی می نماید و تازه نام خود را هم مقدس می نهد!

آیا واقعا باید معتقد بود که این کتاب کلمات خداست و گویندگان و نویسندگان آن توسط روح القدس تأیید شده اند؟

و یا آنچه آمد، حاصل ذهن های منحرف و قلم های مسموم است که به این وسیله خواسته اند دین و دینداری را بی آبرو نمایند؟! آیا واقعا عیسی مسیح شراب خوار بوده و اعجازش شرابسازی! آیا او دیگران را به نوشیدن چنین ماده ی خطرناکی ترغیب و تشویق نموده است؟! آیا او تجویز مصرف شراب را صادر نموده است؟! آیا پیامبری که با عقل انسان ها سخن می گوید، مایعی خرد ستیز - یعنی شراب را - حلال کرده است؟! یقیناً پاسخ تمام این سؤالات منفی است.

چرا که نمی توان پذیرفت آئینی از سوی خدای متعال جهت رستگاری و فلاح انسان ها آمده باشد ولی دستوراتی را آورده که دقیقاً با هدف رستگاری و هدایت در تناقض آشکار باشد.

از این روی، نمی توان مسیحیت فعلی را با عنایت به دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید، آیین دست ناخورده ی الهی دانست! بلکه بر مبنای برهان عقل و علم، باید آن را آئینی دانست که از سرچشمه ی زلال اولیه ی خود دور افتاده و در طی مسیر آلودگی های فراوان به آن راه یافته است.

## الکل اتیلیک

اکنون نوبت آن است که يك بحث علمی را درباره ی الکل اتیلیک از کتب معتبره ی علمی مطرح نمائیم تا خوانندگان نکته سنج و فهیم خوب دریابند که هرگز حضرت عیسی مسیح چنین مایع مخربی را حلال نفرموده است:

الکل يك مولکول کوچک محلول در آب است که به سرعت از طریق لوله ی گوارش جذب می گردد. در حالات ناشتا، پس از جذب الکل حداکثر غلظت خونی آن پس از نیم ساعت حاصل می شود. توزیع الکل در بافت های بدن، سریع و غلظت بافتی آن تقریباً معادل غلظت خونی آن می باشد.

<sup>۱۲۷</sup>. رساله ی اول پولس به تیموتاؤس، باب ۵، شماره ۲۳



یک دوز خوراکی یکسان از الکل در زنان غلظتی بیش از مردان خواهد داشت. در سلسله‌ی اعصاب مرکزی غلظت الکل به سرعت بالا می‌رود چرا که مغز مقادیر بسیار زیادی از خون جاری در گردش خون را به خود اختصاص می‌دهد و الکل نیز قادر است به راحتی از پرده‌های بیولوژیک (مثل پرده‌های مغزی) عبور می‌کند. بیش از ۹۰٪ الکل مصرف شده از طریق دستگاه گوارش در کبد متابولیزه گشته و قسمت اعظم باقی مانده نیز از طریق ریه‌ها و ادرار دفع می‌شود.

دوراه اصلی متابولیسم الکل به استالدهید (یک ماده‌ی بسیار سمی) تا کنون کشف شده است.<sup>۱۲۸</sup> الکل به سادگی، اعمال بدن را تحت تاثیر قرار می‌دهد زیرا که به صورت کامل با آب مخلوط می‌گردد. در داخل بدن الکل به استالدهید می‌شود که ماده‌ای است به مراتب سمی‌تر از الکل و محلول‌تر در آب. اکسیداسیون الکل نسبت نیکوتین آمید آدنین دی‌نوکلئوتید<sup>۱۲۹</sup> به فرم احیاء نشده‌ی NAD را زیاد می‌کند. به این ترتیب متابولیسم سلولی را با اختلال در زنجیره‌ی تنفسی سلول مختل می‌کند. گوآنکه الکل، ماده‌ای است انرژی‌زا، اما یک انرژی‌زای غذایی محسوب نمی‌شود؛ زیرا که مانع جذب اسیدهای آمینه، ویتامین‌ها و دیگر مواد غذایی از طریق دستگاه گوارش می‌گردد.

## الکل با بدن چه کار می‌کند؟

### ۱) الکل و سیستم اعصاب مرکزی

دستگاه اعصاب مرکزی<sup>۱۳۰</sup> شدیداً با نوشیدن الکل تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در وهله‌ی اول به نظر می‌رسد که الکل یک ماده‌ی ضد افسردگی بوده و می‌تواند باعث آرامش، اعتماد به نفس و سرخوشی گردد؛ اما در غلظت‌های بالاتر، این ماده باعث ایجاد اختلال در صحبت، عدم تعادل، اشکال در قضاوت، لکنت زبان و رفتار غیرقابل پیش‌بینی می‌گردد؛ و در مقادیر زیادتر می‌توان انتظار بروز کندذهنی، بلاهت، کما و سرانجام مرگ را داشت.

<sup>128</sup> . Metabolism of ethanol by alcohol dehydrogenase and the microsomal ethanol-oxidizing system (MEOS). Alcohol dehydrogenase and aldehyde dehydrogenase are inhibited by fomepizole and disulfiram , respectively .

<sup>129</sup> . NADH

<sup>130</sup> . CNS:Central Nervous System

آسیب مغزی ناشی از مصرف الکل به صورت نوشیدن مشروبات الکلی ، ممکن است منجر به بروز يك سندروم به نام Wernike-Korsakoff Syndrome گردد.

این سندروم به صورت ضعف شدید حافظه و افسانه سرایی (توهم) ظاهر می شود. و از نظر نشانه های کلینیکی با سه علامت مشخص می شود:

- (۱) فلج عضلات چشمی
- (۲) آتاکسی (عدم تعادل)
- (۳) اختلال در شعور

این بیماری هر چند که بیشتر در بیماران الکلیک دیده می شود، اما از جمله علل آن می توان از سوء تغذیه و بخصوص کمبود ویتامین B1 یا تیامین نام برد. ( احتمالاً به این علت که الکل جذب ویتامین ها را مختل می نماید) این بیماری سرانجام به مرگ منجر می شود.

## (۲) الکل و سیستم اعصاب محیطی<sup>۱۳۱</sup>

مصرف چند ساله الکل باعث آسیب به اعصاب محیطی می شود که با بی حسی در انتهای، از جمله در دست و پاها مشخص می گردد. از دیگر عوارض آن می توان بیماری " ام اس " را نام برد.

## (۳) الکل، کبد و دستگاه گوارش

بیماری های کبدی از جمله شایع ترین بیماریهای ناشی از نوشیدن مشروبات الکلی محسوب می شوند. تخمین زده شده که حدود ۱۵ تا ۳۰ درصد مصرف کنندگان مداوم الکل گرفتار عوارض شدید کبدی می شوند. کبد چرب الکلی که به سیروز و نارسایی کبدی منجر می شود، عارضه ای است که در آمریکا به عنوان يك علت سوق دهنده ی کبد به سوی تورم مزمن کبد (سیروز) محسوب می شود. حساسیت زنان در برابر ابتلاء به مسمومیت کبدی ناشی از الکل از مردان بیشتر است، از جمله عواملی که می توان به عنوان علت عمده ی تورم پانکراس (لوزالمعده) در کشورهای غربی برشمرد مصرف مداوم الکل می باشد. عوارض گوارشی دیگر همچون ورم معده، آسیب به روده های کوچک، و اسهال، با مصرف الکل به فراوانی دیده می شود.

<sup>131</sup>. PNS

#### ٤) الکل و سیستم قلبی - عروقی

مصرف الکل به مقدار زیاد و در مدت طولانی می تواند عوارضی چون کاردیومیوپاتی (آسیب به عضله ی قلب) ، و هیپرتروفی بطنی ( بزرگ شدن عضله ی بطن های قلب) را ایجاد می نماید. تضعیف قدرت انقباضی عضله ی قلب از جمله ی عوارض الکل بر روی این عضو محسوب می شود. در این ارتباط، استالدئید عامل اختلال عمل قلب معرفی شده است.

#### ٥) الکل و خون

الکل می تواند مستقیماً تکثیر و زیاد شدن انواع سلول های خونی یعنی گلبول های قرمز و اقسام گلبول های سفید را با اثر نهادن در مغز استخوان مختل نماید.

#### ٦) الکل و غدد درون ریز

گزارش کلینیکی ، ایجاد ژینکوماستی ( بزرگ شدن پستان در مردان) و آتروفی بیضه ( کوچک شدن بیضه در مردان) در مصرف کنندگان الکل را ثابت کرده است.

#### ٧) الکل و عضلات صاف

از آنجا که الکل یک گشاد کننده ی عروقی است چه به صورت مرکزی و چه به صورت محیطی، در صورت استفاده از این ماده سرد شدن بدن که ناشی از باز شدن عروق است مشاهده گردیده است. این مطلب در مورد رحم نیز ممکن است اتفاق بیفتد.

#### ٨) الکل و سیستم ایمنی

عمل ایمنی و دفاع بدن در افراد مبتلا به الکل در برخی از بافت ها مثل ریه متوقف می شود، در حالی که در برخی از بافت های دیگر تشدید می گردد مثل معده و پانکراس.

#### ٩) الکل و زیاد شدن خطر بروز سرطان

تردید وجود ندارد که مصرف الکل به مدت طولانی خطر ابتلاء به سرطان های دهان، حلق، حنجره، مری و کبد را افزایش می دهد.

## ۱۰) خماری ناشی از اعتیاد به الکل

خماری ناشی از نرسیدن الکل به بدن افراد معتاد به الکل، باعث ایجاد تهوع، سردرد یاگیجی، و لرزش خواهد گردید. ضمن آنکه الکل با تحت تاثیر قرار دادن بصل النخاع و تضعیف عمل آن، باعث بروز بی حالی، کرختی، فراموشی، ضعف عضلانی، پایین آمدن دمای بدن و کم شدن قند خون می گردد. آنچه را که تحت عنوان تاثیرات الکل در بدن ذکر کردیم از کتاب های ذیل آوردیم:

Drug Evaluation - Edition 1996 , Martindale Vol 1- Page 1166 - Edition 2005, Katzung - Edition

2004

و کتاب بیماری های مغز و اعصاب آقای دکتر داریوش سلیمانی، چاپ ۱۳۵۶

البته ممکن است عنوان شود که عوارض الکل معمولاً پس از مصرف مقادیر زیاد و در مدت طولانی ایجاد می شود و الکل با مقادیر اندک چنین مشکلاتی را به وجود نمی آورد. در پاسخ باید گفته شود که:

اولاً: حضرت عیسی مسیح بنا بر نقل انجیل یوحنا معجزه ی خود را شراب سازی قرار داد آن هم ساختن شراب به میزان بسیار زیاد یعنی 6 قدح!!!

ثانیاً: خود حضرتش بنا به نقل اناجیل "باده پرست" معرفی شده و باده پرستی استفاده از شراب اندک نیست؛ بلکه مصرف شراب فراوان باعث دادن صفتی چون باده پرست می شود.

ثالثاً: اساساً چرا چنین معجزه ای برای آن بزرگوار نقل شده و چرا این ماده خطرناک در آئین او حلال شمرده شده است؟

رابعاً: همانطور که گفتیم نوشیدن شراب، سرخوشی می آورد. ولی به علت تحمل بدن، حتماً باید میزان مصرف را مرتباً زیاد کرد تا به حد مطلوب یعنی سرخوش کردن برسد! بر این اساس مصرف کنندگان مقدار اندک شراب نیز حتماً به مصرف کنندگان کلان آن تبدیل خواهند گردید!! نکته ی مهم دیگر اثر الکل بر نسل است، که مشروب خواری مرد در حین انعقاد نطفه، 35% عوارض الکل را به

بچه منتقل می کند؛ و اگر، هم مرد و هم زن، الکل مصرف کرده باشند، تا میزان 100% عوارض، در بچه ظاهر می شود.

برای شراب از نظر علمی عوارض دیگری نیز بیان شده که برخی از آنها از سایت PUBMED ذکر می گردد:

- ۱) الکل در انسان بالغ باعث تغییر رفتار فوری و طولانی مدت می شود.
- ۲) تغییر در سلول های مغزی پس از مصرف بلند مدت الکل.
- ۳) مصرف الکل و بروز سرطان سینه در زنان.
- ۴) ارتباط بین نوشیدن الکل و تصلب شرایین.
- ۵) نوشیدن الکل و استفاده از سیگار باعث رشد سرطانی سلول های پوششی مری می شود.

نکته بسیار مهم

متأسفانه یا خوشبختانه، در کتاب مقدس، درست برعکس مطالبی که درباره شراب و شراب سازی و شراب خوری آوردیم - که همه دلالت بر تجویز استفاده از این مایع خطرناک داشت - مواردی را پیدا می کنیم که از شراب مذمت و عیب جویی می کند!! برای نمونه به جملات ذیل توجه فرمایید:

" و خداوند هارون را خطاب کرده و گفت - تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید شراب و مسکری منوشید مبادا بمیرید - این است فریضه ابدی در نسل های شما - تا در میان مقدس و غیر مقدس و نجس و طاهر تمیز دهید."<sup>۱۳۲</sup>

در عبارت فوق، نوشیدن شراب و مسکر به عنوان:

- حرام ابدی
  - عملی غیر مقدس
  - نوشیدن مایعی نجس
  - و عامل مردن
- معرفی شده است.

<sup>۱۳۲</sup>. سفر لاویان، باب ۱۰، شماره های ۸ تا ۱۱

"وای بر آنانی که صبح زود برمی خیزند تا در پی مسکرات بروند - و شب دیر می نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید - و در بزم های ایشان عود و بریط و دف و نای شراب می باشد."<sup>۱۳۳</sup>

پس دوری از رحمت خدا برای کسانی است که در پی مسکرات می روند و شب نشینی ترتیب داده و در آن شراب می خورند و در بزم هایشان بساط شراب پهن می گردد.

"ولیکن اینان نیز از شراب گمراه شده اند و از مسکرات سرگشته گردیده اند - و هم کاعن و هم نبی در مسکرات گمراه شده اند و از شراب بلعیده گردیده اند - از مسکرات سرگشته شده اند - زیرا که همه سفره ها از قی و نجاست پر گردیده و جایی نمانده است."<sup>۱۳۴</sup>

پس شراب باعث گمراهی شده و سرگشتگی را همراه می آورد . و شراب ماده ای است که به آن صفت قی و نجاست داده شده است.

"و تو را خوشی و شادی رخ خواهد نمود و بسیاری از ولادت او مسرور خواهند شد - زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکر نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح القدس خواهد بود."<sup>۱۳۵</sup>

خدای تعالی حضرت زکریا را بشارت داده که فرزندی به نام یحیی به او عنایت خواهد کرد، که مایه سرور و خوشحالی بسیاری خواهد شد؛ و از جمله شرافت های این فرزند آن است که شراب و مسکری نخواهد نوشید.

حال باید سؤال کرد کدام درست است؟ شراب نوشیدن یا شراب ننوشیدن؟ آیا شرف از آن حضرت یحیی است که شراب نمی نوشد؛ یا شرافت به حضرت عیسی مسیح تعلق دارد که هم شراب ساز است و هم شراب خوار؟! تردیدی نیست که این دو کلام متناقض نمی تواند هر دو کلام خدا باشد!! زیرا که خدا به دو گونه سخن نمی گوید و احتیاجی هم به دو گونه سخن گفتن ندارد . پس ناچار باید پذیرفت که یکی از این دو سخن ، سخن خدا نیست و مطلبی است که ساخته و پرداخته ی ذهن انسان های غیر شرافتمند و نادرست است.

علاوه بر آنچه آوردیم، موارد دیگری در کتاب مقدس درباره ی پلید بودن شراب و احتراز از آن ذکر شده است:

اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد...

"پدر و مادرش او را گرفته نزد مشایخ شهرش به دروازه محله اش بیاورند - به مشایخ شهرش گویند این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است سخن ما را نمی شنود و مسرف و میگسار است - پس جمیع اهل شهرش او را به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد."<sup>۱۳۶</sup>

<sup>۱۳۳</sup> . کتاب اشعیاء نبی، باب ۵، شماره های ۱۱ و ۱۲

<sup>۱۳۴</sup> . کتاب اشعیاء نبی، باب ۲۸، شماره های ۷ تا ۹

<sup>۱۳۵</sup> . انجیل لوقا، باب ۱، شماره های ۱۴ تا ۱۶

<sup>۱۳۶</sup> . سیفر تثنیه، باب ۲۱، شماره های ۱۸ تا ۲۱

"شراب استهزاء می کند و مسکرات عربده می آورد و هرکه به آن فریفته شود حکیم نیست." <sup>۱۳۷</sup>

"از زمره میگساران مباش - و از آنانیکه بدن های خود را تلف می کنند - زیرا که میگسار و مسرف فقیر می شود." <sup>۱۳۸</sup>

"زنا و شراب و شیره دل ایشان را می رباید." <sup>۱۳۹</sup>

"و مست از شراب مشوید که در آن فجور است بلکه از روح پر شوید." <sup>۱۴۰</sup>

و کلام حق آنکه مسلماً شراب سازی کار حضرت عیسی مسیح نبوده و ساحت آن بزرگوار از چنین اتهامی منزّه و مبرا است. و نیز آن بزرگوار هرگز مشروب خوار نبوده و نه کسی را به شراب خواری تشویق و ترغیب کرده است. و این امور از جمله نسبت های ناروایی است که به این پیامبر راستین خدا داده اند و روح آن فرستاده ی خدا در رنج و شکنجه از چنین نسبت ها بوده و بر سازندگان این افسانه ها و جاعلین این دروغ ها لعنت خواهد فرستاد.

آری چگونه می توان قبول داشت که پیغمبر آموزگار درستی ها، ساختن شراب را - یعنی ماده ای که زیان هایش در همین شماره به شکل مختصر با توجه به شواهد مسلم علمی به نظر خواننده ی گرامی رسید - معجزه خود قرار دهد؟ آری آیا می توان پذیرفت که کار شراب کردن آب در مجلس عروسی در قانای جلیل، از حضرت عیسی مسیح علیه السلام باشد؟ آیا قابل قبول است که حضرت روح الله از سوی خدای متعال (اگر قبول کنیم که او پیامبر خداست) آمده تا پیروان خویش را به شراب خواری دعوت کند؟ یقیناً پاسخ منفی است.

حال که بحث به اینجا کشید مناسب به نظر می آید که در همین ارتباط نظر قرآن مقدس را نیز بیان می نماییم. در قرآن شریف درباره ی مسکری به نام "خمر"، یعنی شراب مستی آور، چنین می خوانیم:

"همانا که شراب و قمار به انواع آن پلید است و شیطانی، پس از آنها اجتناب کنید." <sup>۱۴۱</sup>

و نیز در این کتاب شریف، پیرامون شراب، به هشدار جدی و سراسر حکمت برخورد می کنیم:

"همانا که دشمن قسم خورده ی شما شیطان، چنین خواسته که از طریق شراب و قمار، عداوت و بغض و دشمنی را در میان شما جاری کند." <sup>۱۴۲</sup>

<sup>۱۳۷</sup> . کتاب امثال سلیمان، باب ۲۰، شماره های ۱ و ۲

<sup>۱۳۸</sup> . امثال سلیمان، باب ۲۳، شماره ۲۰

<sup>۱۳۹</sup> . کتاب یوشع نبی، باب ۴، شماره ۱۱

<sup>۱۴۰</sup> . رساله پولس به افسسیان، باب ۵، شماره ۱۸

<sup>۱۴۱</sup> . سوره ی مائده، آیه ۹۰

<sup>۱۴۲</sup> . سوره ی مائده، آیه ی ۹۱

آری به راستی چنین است که: منحرف کنندگان انسان‌ها از مسیر هدایت و رستگاری، برآندند تا با وسائلی چون شراب و قمار، دشمنی و بغض و کینه را در میان انسان‌ها بیافکنند و از این طریق - یعنی مستی ناشی از مصرف مشروبات، کینه و نفرت ناشی از باختن در قمار - اساس سعادت و سلامت انسان‌ها را در پیکره‌ی اجتماع به خطر افکنند و شئامت و پستی و آلودگی و کینه و عداوت را حاکم و مسلط نمایند.

اکنون باید دنیا در برابر آیین مقدس اسلام و کتاب عظیم آن قرآن سر تعظیم فرود آورد. چرا که این کتاب ارزشمند با روش خاصی با مسکرات مبارزه و آن را تحریم نموده است. و از پیروان خویش خواسته است که امر خدا را اطاعت نموده و از افتادن در ورطه‌ی این بلای خانمان برانداز و جانسوز که همه چیز و حتی نسل را گرفتار تباهی می‌کند برحذر باشند؛ و بدانند که خواست شیاطین آن است که انسان‌ها از افتادن به جاده‌ی ترقی و تکامل بازمانده و به راه‌هایی که سرانجامی جز رسوائی و تباهی و نابودی ندارند بیفتند.

آری اسلام، سعادت انسان را خواهان است و مسیحیت تحریف شده‌ی فعلی بدبختی و شقاوت و بد عاقبتی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

مسیحیتی که یادبود به صلیب رفتن عیسی مسیح را با مشروب خواری - تحت عنوان عشاء ربّانی - برگزار می‌کند، و مسیحیتی که معجزه‌ی عیسی مسیح را - که قطعاً حضرتش از آن متنفر است - شراب‌سازی عنوان می‌کند و مسیحیتی که حضرت روح الله را شخصی شرابخوار و باده‌گسار معرفی می‌کند.

آیا این دین می‌تواند نجات بخش انسان‌ها باشد؟



# فصل پنجم

حضرت عیسیٰ مسیح «علیه السلام» و مریم عذراء از منظر  
قرآن کریم

پس از بررسی مطالب کتاب عهد جدید پیرامون مقامات حضرت مسیح «علیه السلام» و بیان پیچیدگی ها و تناقضات اناجیل در این ارتباط و سرانجام روشن نشدن ادعای قطعی آن حضرت، اکنون نوبت آن است که در ارتباط با موضوع مورد بحث به گلستان کتاب دست ناخورده خدای متعال یعنی قرآن کریم رفته و ارزش و منزلت و قدر مقام حضرت روح الله «علیه السلام» و مادر گرامیش حضرت مریم «سلام الله علیها» را از درون کتاب وحی بیرون آورده و ضمن توجه خوانندگان محترم به آنچه که قرآن مجید درباره این پسر و مادر بزرگوارش بیان فرموده از صاحب نظران و اندیشمندانی که این سطور را از نظر می گذرانند بخواهیم که مقایسه ای هم درباره مقامات حضرت مریم و عیسی مسیح در عهد جدید و در قرآن مقدس داشته باشند.

### شخصیت حضرت مریم «سلام الله علیها» به بیان قرآن

تربیت مریم کبری در نزد پروردگار متعال

۱- "إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ" <sup>۱۴۳</sup> و هنگامی که همسر عمران (مادر مریم) گفت: پروردگارا، به درستی که من نذر نمودم برای تو آنچه را که در شکم دارم آزاد شده از تعلقات دنیا - او را مشغول به امور دنیائی نسازم - بلکه مخصوص عبادت ذات یگانه تو سازم و مخصوص خدمت مسجد بیت المقدس - در آن زمان خدمت مسجد قدس را امری مهم می دانستند و آن را اعظم عبادات می شمردند و فرزند را برای آن نذر می نمودند برای انجام خدماتی چون آب و جارو کردن و روشن نمودن چراغ تا زمان بلوغ و برای نذر معمولاً پسران را انتخاب می نمودند - پس خدایا این نذر را از من قبول نما بدرستی که تو شنوای دانائی.

۲- "فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ" <sup>۱۴۴</sup> پروردگار سبحان نیز حضرت مریم را به بهترین وجه برای نذر و خدمت در خانه قدس پروردگار قبول نمود و چون مریم طریق صحیح و نیکو را پیمود، خدای تعالی او را نشو و نمایی نیکو یعنی توفیق عنایت فرمود تا با صلاح و سداد و عصمت و معرفت پرورش یافت و زکریا که از پیامبران بزرگوار بود کفالت او را عهده دار شد. زکریا برای او غرفه ای در مسجد ترتیب داد که جز به وسیله نردبام رفتن به آن غرفه میسر نبود و هرگاه که از کار او فارغ می شد

<sup>۱۴۳</sup>. قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۵

<sup>۱۴۴</sup>. قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۳۷

در آن غرفه را با قفلی محکم می بست . و در هر زمانی که بر می گشت و بر مریم وارد می شد که در محراب آن غرفه مشغول عبادت بود ، نزد مریم روزی می یافت . وقتی از او می پرسید که مریم این روزی از کجا برای تو آمده است - و حال آنکه در غرفه قفل بود - مریم پاسخ می داد که این روزی از نزد خدای آمده است به درستیکه خدای تعالی به هر کس بخواهد بدون حساب روزی می دهد .

۳- "وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ" <sup>۱۴۵</sup>

هنگامی که فرشتگان با مریم چنین سخن گفتند که ای مریم به درستیکه خدای تعالی تو را برای عبادت برگزید و پاکت ساخت و برگزید تو را بر زنان عالم .

۴- "يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ اِزْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ" <sup>۱۴۶</sup>

ای مریم به طاعت و فرمانبرداری پروردگارت قیام کن و سر به خاک بگذار و همراه با رکوع کنندگان رکوع نما .

۵- "إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ" <sup>۱۴۷</sup>

هنگامی که فرشتگان گفتند ای مریم خدای تعالی بشارت می دهد تو را به فرزندی - که بدون پدر از تو به دنیا خواهد آمد - که نام آن فرزند مسیح ، عیسی بن مریم بوده و در دنیا و آخرت در نزد خدا آبرومند بوده و از نزدیکان درگاه الهی است .

۶- هنگامی که این بانوی بزرگوار جهت وضع حمل از قوم خویش دوری گزیده و مکانی دور را انتخاب می نماید این اتفاقات رخ می دهد .

"فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا. فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا. وَ هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا غَنِيًّا. فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا... " <sup>۱۴۸</sup>

<sup>۱۴۵</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران(۳)، آیه ۴۲

<sup>۱۴۶</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران(۳)، آیه ۴۳

<sup>۱۴۷</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران(۳)، آیه ۴۵

<sup>۱۴۸</sup> . قرآن کریم؛ سوره مریم(۱۹)، آیات ۲۳، ۲۴، ۲۵ و بخشی از آیه ۲۶

آنگاه که درد زایمان او را به سوی تنه نخلی کشاند گفت ای کاش پیش از این مرده و یکسره فراموش شده بودم ، پس از طرف پائین پایش او را صدا زد که غم مدار. پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی پدید آورده است و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده تا بر تو خرمای تازه ریزد.

پس قرآن کریم حضرت مریم «سلام الله علیها» را با امتیازات و مشخصات ذیل معرفی می فرماید:

- ۱- اختصاص یافته عبادت در بیت المقدس.
- ۲- خدا مربی او بود.
- ۳- حضرت زکریا کفیل او بود.
- ۴- برای او غذای آسمانی آورده می شد.
- ۵- انتخاب شده خدا برای آوردن فرزند بدون اختیار شوهر.
- ۶- پاک و مطهر و مقدس.
- ۷- قنوت و سجده و رکوعش برای خدا بود.
- ۸- فرشتگان با او سخن گفته و بشارت به داشتن فرزندی به نام عیسی مسیح به او دادند.
- ۹- برای خاطر او چشمه آب به صورت خارق العاده از زمین می جوشد.
- ۱۰- درخت خشک خرما به خاطر او خرمای تازه تحویل می دهد .

### شخصیت حضرت مریم از دیدگاه انجیل

برای آنکه خواننده گرامی به بحثی مقایسه ای هم پرداخته باشد، شایسته چنان است که نگاهی به نحو اجمال و اختصار به نحوه معرفی حضرت مریم از دیدگاه انجیل نیز بیفکنیم .

در انجیل متی چنین می خوانیم :

« و اما ولادت عیسی مسیح چنان بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند - و شوهرش یوسف چونکه مرد صالح بود نخواست او را عبرت نمایند پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند - اما چون او در این چیزها تفکر می کرد ناگه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت ای یوسف پسر داوود از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است - و

او پسری خواهد زائید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهان شان خواهد رها کند ... پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنانچه فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت»<sup>۱۴۹</sup>

و اما میزان اعتبار و اهمیتی که لوقا برای حضرت مریم قائل گردیده است:

« و در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد . نزد باکره نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داوود و نام آن باکره مریم بود - پس فرشته نزد او داخل شده گفت سلام بر تو ای نعمت رسیده، خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی ... فرشته بدو گفت ای مریم ترسان نباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته - و اینک حامله شده پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود مریم به فرشته گفت این چگونه می شود و حال آنکه مردی را نشناختم - **فرشته در جواب وی گفت روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد** ... مریم گفت اینک کنیز خداوندم - مرا بر حسب سخن تو واقع شود پس فرشته از نزد او رفت ... (از وقتیکه مریم نزد ایصابات همسر زکریا پیامبر می رود این اتفاق می افتد ) ... بچه در رحم او ( ایصابات ) به حرکت درآمد و ایصابات به روح القدس پر شده بود با آواز بلند صدا زده گفت تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو ... پس مریم گفت جان من خداوند را تمجید می کند - و روح من برهاننده من خدا به وجود آمد - زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکند»<sup>۱۵۰</sup>

ملاحظه می شود که در انجیل چگونه مریم را توصیف می نماید :

زنی که بدون شوهر باردار می شود و عامل باردار شدنش روح القدس است، او باکره بود و شوهر به خود ندیده بود فرشته نزد او می آید و او را به زائیدن پسری به نام عیسی مسیح بشارت می دهد. وی کنیز خداست و تمجید خدا می کند در این ارتباط خدا بر او نظر افکنده است.

حال این عبارت را با آیات قرآن مقدس که در شأن و منزلت حضرت مریم «سلام الله علیها» نازل گردیده مقایسه نمائید .

<sup>۱۴۹</sup> . انجیل متی باب ۱ شماره ی ۱۸ - ۲۲ - ۲۴

<sup>۱۵۰</sup> . انجیل لوقا شماره های ۲۶ تا ۴۸ باب ۱

جالب تر از آنچه آوردیم نحوه رفتاری است که حضرت عیسی با این مادر خود دارد به نقل یوحنا در این مورد  
بپردازیم:

« و در روز سوم در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود - و عیسی و شاگردانش را نیز عروسی دعوت کردند - و چون شراب تمام شد و مادر عیسی بدو گفت شراب ندارند - عیسی به وی گفت ای زن مرا با توجه کار است ساعت من هنوز رسیده است »<sup>۱۵۱</sup>

خوب به عبارات انجیل یوحنا دقت فرمائید:

وقتی مادر عیسی - یعنی حضرت مریم کبری - پس از تمام شدن شرابها در یک مجلس عروسی از فرزندش حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» جهت پذیرائی از میهمان ها شراب طلب می کند که خود این درخواست بسیار عجیب و غریب است که زنی چون مریم پاک از فرزندش درخواست شراب کند آنگاه در برابر درخواست مادر آن هم مادری مانند مریم عذراء، فرزندش عیسی مسیح با کمال بی ادبی او را مخاطب قرار داده به او بگوید « ای زن مرا با توجه کار است » از این جمله معلوم می شود که حضرت روح الله ذره ای احترام برای مادر خویش قائل نبوده و چون عیسی مسیح خود خداست که آمده !! یعنی روشن می شود که خدا برای مریم ذره ای قیمت و شخصیت قائل نبوده است !!

قضاوت را درباره نحوه تعریف و توصیف انجیل و قرآن از حضرت مریم باکره به وجدان پاک خواننده زیرک و با لطافت واگذار می کنیم .

### مرتب حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» از نظر قرآن کریم

شخصیت حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» به بیان قرآن:

۱ - نخستین مطلبی که در آغاز بیان شخصیت حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» باید گفته شود بیان « منصب و مقام روشن و واضح حضرت روح الله است »

<sup>۱۵۱</sup> . انجیل یوحنا باب ۲ شماره ۱-۴

آن بزرگوار در تمام طول زندگانی خویش جز دو منزلت و مقام را برای خویش بیان نکرد :

- مقام بسیار رفیع و بلند بندگی الهی
- مقام رسالت و فرستاده شدگی از سوی پروردگار یکتا

به آیات قرآن مقدس توجه کرده و این دو مقام را از رهگذر آیات دریابیم .

الف) آن زمان که یهودیان از مقام طعنه زدن به مادر بزرگوار و مطهره اش برآمدند حضرت مریم «سلام الله علیها» از سوی خداوند مهربان مأمور می شود که پاسخ آن ها را به طفل تازه به دنیا آمده خویش ارجاع نماید که آن نوزاد مبارک و متبرک در کمال شگفتی و تعجب حاضران زبان گشوده و چنین می گوید :

**"قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا . وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا."**<sup>۱۵۲</sup>

یعنی من بنده خدایم جز آنکه بنده ای هستم که پروردگار مهربان مرا به پیامبری برگزیده و به من کتاب داده در هر جا که باشم همراهم برکت قرار داده و مادامی که زنده ام پروردگارم مرا امر به نماز و زکوه فرموده. می بینیم که در بیان مقام حضرت عیسی مسیح «علیه السلام» ، قرآن کریم بدون هیچگونه ابهام و پیچیدگی و غموضی سخن می گوید و بدون آنکه خواننده را سرگردان کرده باشد اصل مقام و مرتبت حضرت روح الله را که مقام عبودیت و رسالت باشد صریحاً بیان می فرماید .

۲- مطلب دومی که قرآن کریم متعرض آن می شود ، خوارق عادات و آیات و بیناتی است که برای این پیامبر بزرگوار ذکر نموده که به برخی آن آنها اشاره می شود.

**"وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"**<sup>۱۵۳</sup>

یعنی پیامبری ( عیسی «علیه السلام» ) را به سوی بنی اسرائیل فرستادیم که می گوید با معجزه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام ، من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دمم و به اذن پروردگار پرنده ای واقعی می شود و کور مادرزاد را و بیمار مبتلا به برص را شفا می دهم و نیز مردگان را زنده می کنم و تمام این امور را

<sup>۱۵۲</sup> . قرآن کریم؛ سوره مریم(۱۹)، آیات ۳۰ و ۳۱

<sup>۱۵۳</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران(۳) -آیه ۴۹

به اجازه پروردگارم انجام می‌دهم و شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم  
اگر اهل ایمان باشید مسلماً در این امر برایتان نشانه رسالت و فرستاده شدگی من وجود دارد.

۳- پیامبری است که خدای تعالی به احترام وی و دعای او از آسمان مائده نازل می‌فرماید:

**"قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأُولِنَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ أَرْزُقْنَا  
وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ . قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ..."**<sup>۱۵۴</sup>

حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) عرض کرد پروردگارا برای ما طعام از آسمان فرست (طعام بهشتی) که به  
عنوان عیدی برای اول ما (یعنی اهل زمان ما) و آخر ما (آیندگان) و نشانه ای از سوی تو باشد که تو بهترین روزی  
دهندگانی - خدای تعالی هم اجابت کرد و فرمود من این طعام را به خواست تو فرو می‌فرستم.

۴- حضرت در دنیا و آخرت نزد خدا آبرومند است.

**"وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ..."**<sup>۱۵۵</sup>

یعنی عیسی مسیح «علیه السلام» در دنیا و آخرت نزد خدا صاحب آبرو است.

۵- حضرت در مبتدای تولد در آغوش مادر سخن می‌گوید:

**" قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا"**<sup>۱۵۶</sup>

حضرتش در آغوش مادر سخن گفته و چنین بیان می‌دارد که من بنده خدایم که پروردگارم به من کتاب داده و  
پیامبرم کرده است.

۶- او از مقربان درگاه خداوندی است:

**" وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ"**<sup>۱۵۷</sup>

خدای متعال او را از هر پلیدی پاک و مطهر ساخته است:

**"مُطَهَّرَكَ مِنَ الدِّينِ كَفَرُوا"**<sup>۱۵۸</sup>

و ترا از آن چه کفرورزان پیشه کردند پاک و مطهر قرار دادیم.

<sup>۱۵۴</sup> . قرآن کریم؛ سوره مائده (۵)، آیات ۱۱۴ و ۱۱۵

<sup>۱۵۵</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۴۵

<sup>۱۵۶</sup> . قرآن کریم؛ سوره مریم (۱۹)، آیه ۳۰

<sup>۱۵۷</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۴۵

<sup>۱۵۸</sup> . قرآن کریم؛ سوره آل عمران (۳)، آیه ۵۵



۷- نتوانستند او را به صلیب بکشند و لذا وی هم اکنون نیز زنده است:

**"وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا" ۱۵۹**

و برخی گفتند که ما عیسی مسیح را کشتیم ، عیسائی که پیامبر خدا بود ولی او را نکشته و به صلیب هم نکشیدند بلکه امر بر آن ها مشتبه شد ( دیگری را بجای او به دار کشیدند ) ... و قطعاً و یقیناً هم او را نکشتند .

۸- او پیامبری است که مردمان را به سوی توحید خالص و یکتا پرستی محض دعوت می کند :

**"قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَزَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ" ۱۶۰**

و عیسی ( علیه السلام ) فرمود ای بنی اسرائیل عبادت خدای یکتا را بنمایید که هم پروردگار من و هم پروردگار شماست هر که به الله شرک آورد بهشت بر او حرام شده و جایگاهش آتش خواهد بود و ستمگران را هرگز یآوری نخواهد بود .

۹- حضرت عیسی مسیح و مادرش حضرت مریم سلام الله علیهما از نشانه های قدرت خداوندی اند:

**"وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ" ۱۶۱**  
وما فرزند مریم \_ عیسی مسیح \_ و مادرش را نشانه ای بر قدرت خویش قرار داده و آنان را در سرزمین مرتفعی که جای زیستن و دارای آب جاری بود قرار و جای دادیم .

۱۰- حضرت عیسی مسیح علیه السلام شخصی است که درود و سلام بر اوست :

**"وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا" ۱۶۲**  
و سلام بر من در روزی که به دنیا آمدم و روزی که میمیرم و روزی که برانگیخته خواهم شد .

خواننده گرامی، قضاوت را بر عهده وجدان پاک شما واگذار می کنیم تا خود بین عیسی مسیحی که عهد جدید معرفی می کند و حضرت عیسی بن مریم روح الله و کلمه خدائی که قرآن مقدس معرفی می فرماید یکی را انتخاب فرمائید .

<sup>۱۵۹</sup> . قرآن کریم؛ سوره نساء(۴) ، آیه ۱۵۷

<sup>۱۶۰</sup> . قرآن کریم؛ سوره مائده(۵) ، آیه ۷۵

<sup>۱۶۱</sup> . قرآن کریم؛ سوره مؤمنون(۲۳) ، آیه ۵۰

<sup>۱۶۲</sup> . قرآن کریم؛ سوره مریم(۱۹) ، آیه ۳۴

# فصل ششم

بشارات انجیل حقیقی عیسی علیه السلام به محمد و آل محمد  
صلی الله علیهم اجمعین

به مناسبت میلاد **حضرت علی علیه السلام**، **ایلیای انجیل**، **یگانه امیر المومنین خلقت**، گوشه هایی از انجیل حقیقی عیسی علیه السلام را تقدیم دوستداران آن حضرات معصوم می نمائیم:

ابان از سلیم نقل می کند که گفت: با امیر المؤمنین علیه السلام از صفین می آمدیم. لشکر نزدیک صومعه یک راهب پیاده شدند. از صومعه پیرمرد سالخورده زیبا و خوش رو و خوش سیما و خوش چهره ای بیرون آمد در حالی که کتابی در دستش بود. نزد امیر المؤمنین علیه السلام که رسید با عنوان خلافت بر آن حضرت سلام کرد [یعنی گفت السلام علیک یا خلیفة الله].

حضرت فرمودند: مرحبا ای برادرم شمعون، حالت چطور است؟ خدا ترا رحمت کند. او پاسخ داد: بخیر است ای امیر المؤمنین و ای آقای مسلمین و ای وصی رسول رب العالمین. من از نسل مردی از حواریین برادرت عیسی بن مریم هستم. من از نسل شمعون وصی حضرت عیسی بن مریم هستم که از بهترین دوازده نفر حواریین آن حضرت و محبوبترین آنان نزد او و مقدم آنها در پیشگاه او بود و عیسی بن مریم علیه السلام به او وصیت کرد و کتاب ها و علم و حکمتش را به او سپرد و خاندانش همچنان بر دین او ثابت ماندند و به آئین او پایدار بودند و کافر نشدند و تبدیل و تغییری ندادند.<sup>۱۶۳</sup>

آن کتاب ها که املاء عیسی بن مریم علیه السلام و دستخط پدرمان است نزد من است. در آن ها هر کاری که مردم بعد از او انجام می دهند با ذکر یک یک پادشاهان و اینکه هر یک چقدر پادشاهی می کند و در زمان هر کدام چه وقایعی اتفاق می افتد آمده است.

تا آنجا که خداوند مردی از عرب از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم خلیل الرحمن از سرزمینی که «تهامه» خوانده می شود از آبادی به نام «مکه» مبعوث نماید که به او «احمد» گفته می شود. گشاده رو و زیبا چشم، و ابروانش پیوسته است. صاحب شتر و حمار و چوب دستی و تاج- یعنی عمامه- است و دوازده اسم دارد.

سپس مبعث و میلاد و هجرت آن پیامبر را و کسانی که با او می جنگند و آنان که او را کمک می کنند و کسانی که با او دشمنی می نمایند و مقدار عمر او و آنچه امتش بعد از او تفرقه و اختلاف می نمایند در آن کتاب ذکر شده است.

<sup>۱۶۳</sup> . شاپان تذکر است که مادر حضرت مهدی علیه السلام نیز از خاندان شمعون صفا، وصی حضرت عیسی علیهما السلام، و در نتیجه با اعتقادی صحیح بودند که ائمه علیهم السلام از صلب های شامخه و ارحام مطهره به دنیا آمدند؛ برای اطلاع از داستان زیبایی آن خاتون جلیل القدر دوستانمان را به مطالعه "داستان دلدادگی ملیکا" دعوت می نمائیم.

همچنین نام هر امام هدایت و امام ضلالت تا روزی که خدا عیسی بن مریم علیهما السلام را از آسمان نازل کند مذکور است.

در آن کتاب نام سیزده نفر از فرزندان حضرت اسماعیل بن ابراهیم خلیل الرحمن [یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دوازده امام معصوم علیهم السلام] مذکور است و آنان بهترین کسانی هستند که خدا خلق کرده و محبوبترین خلق خدا به پیشگاه او هستند. خداوند دوستدار کسانی است که ایشان را دوست بدارند و دشمن کسانی است که با ایشان دشمن باشند. هر کس از ایشان اطاعت کند هدایت می‌یابد و هر کس از ایشان سرپیچی کند گمراه می‌شود. اطاعت ایشان اطاعت خدا و معصیت ایشان معصیت خداست.

در آن کتاب است نام این امامان و نسب ایشان و صفت آنان، و اینکه هر کدام از آن‌ها یکی پس از دیگری چقدر عمر می‌کنند، و چند نفر از آنان دین خود را پنهان می‌نمایند و از قوم خود کتمان می‌کند، و چند نفر از آنان دین خود را اظهار می‌کند و کدام به حکومت می‌رسد و مردم در مقابل او سر تسلیم فرود می‌آورند، تا هنگامی که خداوند عیسی بن مریم علیه السلام را بر آخرین آن‌ها نازل کند. عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌گذارد و می‌گوید: «شما امامانی هستید که برای کسی سزاوار نیست بر شما تقدم جوید». (آن آخرین امام) پیش می‌رود و نماز را برای مردم اقامه می‌کند در حالی که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او در صف اول است. اولین آن سیزده نفر [یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] افضل آن‌هاست و آخرین ایشان مثل اجر همه آن‌ها و اجر آنان که اطاعت ایشان را کرده و به هدایت ایشان هدایت شده‌اند را دارد.

"بسم الله الرحمن الرحيم. احمد پیامبر خداست، و نام او محمد و یاسین و طه و نون و فاتح و خاتم و حاشر و عاقب و ماحی است. او پیامبر خدا و دوست خدا و حبیب خدا و برگزیده او و امین او و منتخب اوست. خداوند انتقال او را در سجده کنندگان می‌دیده است - یعنی در صلب انبیاء [و اوصیاء] - با او به رحمت خویش تکلم کرده است. هر گاه خدا یاد شود او هم یاد می‌شود. او بزرگوارترین خلق خدا در پیشگاه او و محبوبترین آنها نزد اوست. خداوند هیچ خلقی را خلق نکرده - چه ملائکه مقرب و چه پیامبر مرسل از آدم تا دیگران - که نزد او بالاتر و محبوبتر از او باشند. خداوند در روز قیامت او را بر عرش خود می‌نشاند و در باره هر کس که شفاعت کند می‌پذیرد. به نام او و به یاد او قلم در لوح محفوظ در امّ الکتاب جاری گشته است. او محمد رسول الله است.

سپس برادرش صاحب پرچم در روز قیامت و روز محشر کبری است. او برادر پیامبر و وصی او و وزیرش و خلیفه او در امتش است. محبوبترین خلق خداوند نزد او بعد از پیامبر، علی بن ابی طالب صاحب اختیار هر مؤمنی بعد از

اوست.

سپس یازده امام از فرزندان اوّل نفر از دوازده نفر [یعنی علی علیه السّلام]، که دو نفر از آنان همنام دو پسر هارون یعنی شبر و شبیر هستند و نه نفر از اولاد کوچکتر این دو برادر که حسین است، یکی پس از دیگری خواهند بود. آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد.

در این کتاب نام هر کدام از این امامان که به حکومت می‌رسند، و آنان که دین خود را پنهان یا ظاهر می‌کنند آمده است. اوّل کسی که دین خود را ظاهر می‌کند کسی است که همه شهرهای خداوند را از عدل و داد پر می‌کند و بر ما بین مشرق و مغرب حکومت می‌کند تا آنجا که خداوند او را بر همه ادیان غالب کند.

وقتی پیامبر مبعوث شد پدرم زنده بود و او را تصدیق کرد و به او ایمان آورد و شهادت داد که او پیامبر خداست. پدرم پیرمرد سالخورده‌ای بود که قدرت بر خاستن نداشت. او وقتی از دنیا می‌رفت به من گفت: «وصیّ محمد و جانشین او- که نام و صفت او در این کتاب است- بزودی از کنار (صومعه) تو عبور می‌کند، آن هنگام که سه نفر از امامان ضلالت و دعوت‌کنندگان به آتش- که با نامشان و نام قبائلشان و صفتشان و اینکه هر یک از آنان چقدر حکومت می‌کنند در این کتاب ذکر شده‌اند- یعنی فلان [ابوبکر] و فلان [عمر] و فلان [عثمان] در گذشته باشند. هر گاه عبورش بر تو افتاد نزد او برو و با او بیعت کن و همراه او با دشمنش جنگ کن، چرا که جهاد همراه او همچون جهاد همراه محمد صلی اللّٰه علیه و آله است و دوستدار او همچون دوستدار محمد و دشمن او همچون دشمن محمد است.»

ای امیر المؤمنین! در این کتاب آمده است که دوازده امام از قریش از قوم پیامبر با اهل بیتش دشمنی می‌کنند و حق ایشان را مانع می‌شوند و آنان را می‌کشند و طرد می‌نمایند و محروم می‌کنند و از آنان بیزاری می‌جویند و ایشان را می‌ترسانند. نام یک یک آنان به اسم و صفتشان در این کتاب آمده است، و اینکه هر کدام از آنان چه مدت زمانی و در چه وسعتی حکومت می‌کند، و آنچه به فرزندان تو و یاران و شیعیانت از قتل و خوف و بلا از ناحیه آنان می‌رسد، و اینکه چگونه خداوند بار دیگر شما را جانشین آنها و اولیاء و انصارشان می‌نماید و آنچه از ذلّت و جنگ و بلا و خواری و قتل و ترس که از جانب شما اهل بیت خواهند دید.

سپس راهب گفت: یا امیر المؤمنین! دستت را بگشا تا با تو بیعت کنم. من شهادت می‌دهم که خدائی جز اللّٰه

نیست و محمد بنده و پیامبر اوست و تو خلیفه پیامبر خدا در امت او و وصی و شاهد او بر مردم و حجت او در زمین هستی. اسلام دین خداست و من از هر دینی که مخالف اسلام باشد بیزارم، چرا که اسلام دینی است که خداوند برای خود برگزیده و برای اولیائش به آن راضی شده است. و آن دین عیسی بن مریم و پیامبران و رسل است که قبل از او بوده اند، و همین دین است که پدران گذشته من به آن معتقد بوده اند.

**["ان الدین عند الله الاسلام"]**

همانا دین نزد خدا اسلام است<sup>۱۶۴</sup>. [

من تو و او و دوستان تو را دوست می دارم و از دشمن تو بیزارم. یازده امام از فرزندان تو را دوست می دارم و از دشمنشان و مخالفین آنان و از کسانی که از آنان بیزار باشند و حقتشان را ادعا کنند و به آنان ظلم کنند- از اولین و آخرین- بیزاری می جویم.  
سپس دست داد و با حضرت بیعت نمود.

سپس امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند: کتابت را به من بده. او هم کتاب را داد.

امیر المؤمنین علیه السلام به یکی از اصحابشان فرمودند: برخیز با این مرد و مترجمی پیدا کن که سخن او را بفهمد و مطالب کتاب را به زبان عربی واضح برای تو بنویسد. او هم کتاب را که به عربی نوشت، آورد.

وقتی آن را آورد حضرت به پسرشان امام حسن علیه السلام فرمودند: پسر، کتابی را که به تو سپرده بودم بیاور. حضرت آن را آوردند. امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: پسر تو این کتاب را بخوان، و تو ای فلانی- که اظهار نادانی می کنی- در نسخه این کتاب نگاه کن که دستخط من و املاء پیامبر صلی الله علیه و آله است.

امام حسن علیه السلام کتاب را خواندند. حتی یک حرف مخالف آن نبود و تقدیم و تأخیری هم در کلمات نداشت گویی یک شخص برای دو نفر املاء کرده است!

سپس امیر المؤمنین علیه السلام حمد و ثنای الهی بجا آوردند و فرمودند: «سپاس خدایی را که اگر می خواست امت اختلاف نمی کردند و متفرق نمی شدند. شکر خدائی را که مرا به فراموشی نسپرد و امر مرا رها نکرده است و

<sup>۱۶۴</sup>. سوره آل عمران (۳) آیه ۱۹

یاد مرا نزد خود و دوستانش خاموش نکرده در زمانی که یاد دوستان شیطان و حزبش را کوچک و خاموش کرده است.»

سلیم می‌گوید: از این جریان، شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام که حاضر بودند خوشحال شدند و شکر بجا آوردند. از سوی دیگر موجب ناراحتی بسیاری از کسانی که اطراف آن حضرت بودند شد، بطوری که اثر ناراحتی در صورتشان و رنگ هایشان پیدا بود.<sup>۱۶۵</sup>

---

<sup>۱۶۵</sup> کتاب سلیم ح ۱۶؛ منهاج الفاضلین (نسخه خطی): ص ۲۲۸؛ بحار الانوار: ج ۱۵ ص ۲۳۶؛ بحار الانوار: ج ۳۸ ص ۵۴؛ اثبات الهداة: ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۱۳۲؛ اثبات الهداة: ج ۱ ص ۶۵۸ ص ۸۴۱؛ مدینه المعاجز: ص ۸۳ شماره ۲۰۸؛ غیبت نعمانی: ص ۴۸؛ ارشاد القلوب: ج ۲ ص ۲۹۸؛ فضائل شاذان: ص ۱۴۲؛ کتاب الروضة: ص ۲۴.